

وصحت کرد.
مثلا گلهای میدان توپخانه را پنج ماه پیش دیدید که یک تن خاک بود خوب بود؛ بنده نمی گویم که بالا بهترین میدان های دنیا است.
ولی وضع آن تا اینجا یا پنجسال پیش فرق نکرده.
شهر طهران چراغش بیشتر نشده؟
آخر اینها یک چیزهایی است که منکر محسوسات شدن است چرا باید اعتراضات کرد داخل شد در مسائلی که بیشتر شباهت با اعتراضات شخصی دارد بنده عرض میکنم مراجع باین مالیات تصوری کنم باید از این جا شروع کرد که آیا بنده باید داشت یا خیر و یک مغارجی باید کرد یا خیر اگر یک مغارجی باید کرد یک عایدی برای آن مغارج از اهل طهران باید گرفت.

یا از جای دیگر؟ و اگر چنانچه یک عایداتی از مردم طهران میخواهیم بگیریم چه طور باید باشد؟ آیا می فرمایند از اوراق عمومی بگیریم.
مثلا از اراضی بگیریم بنده عرض می کنم شاید این ترتیب هم بشود در کیسیون فواید ماله هم یک چیزی شبیه باین هست لکن آنروز هم که مجلس بیاید در آن موضوع هم می بینیم موافقتین دنیا هستند و مخالفین هم که من تصور می کنم که آنروز هم مخالفتی خواهند کرد و یک صحبتی هم می کنند.

حرف این است که هر وقت یک قضیه را شما بگردید رویه گرفته مسکن است برله و علیه آن یک حرفهایی زد مثلا راجع به مالیات اراضی هم ممکن است بگوئید آقا این مردم طهران خانه ندارند. خانه دارایی نیست خانه برای این است که باید چندان جا کرو بگذارند بالاخره باید درش زندگانی کنند.

چطور میشود از خانه مالیات گرفت مردم بقدری مستاصل هستند که نمیتوانند خانه خراب خود را تعمیر کنند.
در حال امروز مالز آنها صحت نمیکنیم که آن دلالت را بیاورم و بنده هم کاری بان صحبتها ندارم.

آقا چند قسم مالیات خودشان فرض کردند یک قسم اراضی بود که خودشان هم برد کردند یک قسم دیگر مالیات اراضی بود که آن مالیات اراضی هم خواهد آمد و انشاء الله برای اینکه بنده بیشتر توسعه پیدا کند و بیشتر بتواند فقرا را جمع کند شاید تصویب شود.

یک قسم هم راجع بود بمالیات برنج آن هم تشخیص خیلی مشکل است مثلا آناچای راجزو برج میدانند.

بنده جای را برای همه از چیزهای ضروری میدانم علاوه اشکال دیگر این است اشیا تجملی که میفرمایند باید بقدر زیاد

نیست که اگر یک مالیاتی هم تحصیل آنها بشود آنقدر عایدی زیادی بشود پس بنابراین برمیگردیم به همین مالیاتی که الان این جا هست عرض میکنم یک قسمت زیاد از آن تحصیل میشود بر اشخاصی که مصرف می کنند نه بر آن کسی که واسطه است آن رعیتی که در هر دروازه یک ساعت معطل میشود توی راه هم زحمت میکشد و و نباید دلیل آورد.
او مالیات نمی دهد معطلی او هم مثل سایر زحمتی است که میکشد باز مینماید بار بر می دارد مشتری پیدا می کند و لای بالاخره این مالیات را از او نمی گیرند از کسی میگیرند که خرج میکند اما اینکه میفرمایند مالیات از اوراق بگیرند.

خوب آقا مالیات ملکی را که از مردم میگیرند پس چیست روی هر فته تمام حیوانات و اینها یک مالیاتی میدهند بله این یک اصلی است که باید سعی کرد از اوراقی که نان فقرا است خبلی مالیات نگیرند ولی همه اینها یک صورت ندارد.
مثلا مرکبات آیا اینها یک چیزهاییست که فقرا میخورند و صرف میکنند؟
شیردانی. مالیاتش کم است.
مغیر - کم است اضافه کنید همچنین راجع به سایر مالیاتهایی که این جا هست یا همان بره که آقا صحبت کردند.
مخ تخم مرغ خبلی از اینها را اشخاصی مصرف می کنند که عایداتی داشته باشند بنابراین تصور میکنم آقایان لطف فرمایند و باین ترتیبی که در مجلس معمول شده توجه فرمایند چون هر وقت یک عوارض را میگیرند قانوشش کنند وقتی هم که میاورند بصورت قانوشش در آورند این ایرادات گرفته میشود و این باعث این میشود که دولت آن مالیاتهایی را که میگیرد غالباً جرأت نکند مجلس بیاورد برای اینکه هر وقت مجلس بیاورد برمی خورد با اشکالات.
چرخهای مملکت راهم که نشود خوبانید بنابراین خوبست موافقت فرمایند و اگر در بعضی مواد اصلاحاتی دارند البته پیشنهاد بکنند و بالاخره یک طوری بشود که عوارض ورودی یک صورت قانونی پیدا کند.

مخ تخم مرغ خبلی از اینها را اشخاصی مصرف می کنند که عایداتی داشته باشند بنابراین تصور میکنم آقایان لطف فرمایند و باین ترتیبی که در مجلس معمول شده توجه فرمایند چون هر وقت یک عوارض را میگیرند قانوشش کنند وقتی هم که میاورند بصورت قانوشش در آورند این ایرادات گرفته میشود و این باعث این میشود که دولت آن مالیاتهایی را که میگیرد غالباً جرأت نکند مجلس بیاورد برای اینکه هر وقت مجلس بیاورد برمی خورد با اشکالات.
چرخهای مملکت راهم که نشود خوبانید بنابراین خوبست موافقت فرمایند و اگر در بعضی مواد اصلاحاتی دارند البته پیشنهاد بکنند و بالاخره یک طوری بشود که عوارض ورودی یک صورت قانونی پیدا کند.

یک وقتی بنده می بینم مثلا آقای داور عقیده شان باین می شود که تمدن اروپا را باید استیصال کرد و بر روی این فلسفه در آن قانونی که مطرح است مذاکرات میکنند آنوقت یکدفعه می بینم طرفدار این قضیه می شوند که وضع مالیات بر اوراق است.

اساساً در کجای دنیا این شکل مالیات در دروازه می گیرند در همان جا هائی که الاغ دارند و راه آهن ندارند که بیاید توی استامبول بیستد و این جوری مثل مملکت ما فاطر و خرد دارند کجا در دروازه بچه یکی را میگیرند که بارش را ببینند چقدر است و چقدر باید بگیرند بنده نمی خواهم اینجا بخیردوری کنم و بگویم بیچاره بدبخت برزگر - بیچاره مکاری - ابوابی ملت بیچاره و بدبخت که این مالیاتها برش تحصیل می شود.

بنده از این قسمت دورم اما یک قسمتی که میخواهم نظر آقایان را بآن توجه بدهم این است که هنوز در مملکت ما مشروطه تعمیم پیدا نکرده و آن

بنده از این قسمت دورم اما یک قسمتی که میخواهم نظر آقایان را بآن توجه بدهم این است که هنوز در مملکت ما مشروطه تعمیم پیدا نکرده و آن

کیم بعد دلیل مخالفت خودم را عرض میکنم.
ابتدا فرمودند میل مالیات دادن در کسی نیست و هر کس که در این مملکت بخواهد یک مالیاتی وضع کند شاید منفور واقع میشود و هر کس که طرف مخالف را بگیرد شاید محبوب باشد بنده بکلی در این مملکت غیر از این می بینم مردم ایران بالاخص نسبت بسایر نقاط شرق بواسطه ارتقائی که از سطح دریا دارد یک اخلاق خیلی معینی دارند و هر چه مالیاتی که بر آنها تحصیل شده خیلی رود قبول کرده اند انصاف بدیهه مالیاتهایی که در مملکت ما معمول است و میگیرند که در موقع بودجه یک قسمتی از آنها گفته شد.

استخوان پولی - سرشاری چه چه و چو فلان اینها در هیچیک از نقاط شرق معمول نیست فقط منحصر است بایران.
پس اینقسمت که هر کس بگوید مالیات نگیرند مردم طرفدار او میشود نیست.
ولی مالیات باید فلسفه داشته باشد بنده یک وقتی می شنیدم (آقای داور هم متأسفانه تشریف ندارند) که یک حزب رادیکال در طهران تشکیل شده.

بنده بزحمت مراش را گیر آوردم دیدم مخصوصاً در آنجا اوراق استنشاده شده از اودان مالیات نکند.

آقا شیخ محمد علی طهرانی - عده کافی نیست برای مذاکره.
رئیس - کافی است.

رئیس - کافی است.
رئیس - کافی است.
رئیس - کافی است.
رئیس - کافی است.
رئیس - کافی است.
رئیس - کافی است.
رئیس - کافی است.
رئیس - کافی است.
رئیس - کافی است.
رئیس - کافی است.

آقای داور میفرمایند از این قضایا بر گردیم و بیایم ببینیم بنده باید داشته باشیم یا نه.
مغارجی برای بنده باید کرد یا نه و عایدات این را باید از شهر طهران جمع کرد یا نه.

بنده عرض می کنم البته باید بنده داشت باید عایداتش هم از طهران باشد ولی عایدی منطقی.

این احزابی که در دنیا تمام درست شده که مقدمه آن و کوچکتر یعنی ابتدای آن از دموکرات شروع میشود تا انتهایش که می رود بالاخره یکدکدام وضع مالیات بر این اقسام کرده اند؟ مگر این که نهی کرده اند.

آخر ما در سیاست پیرو کدام یک میشویم.
آقای داور میفرمایند بعد از این اگر قانون مستغلات هم آمد اینجایک اشخاصی مخالفت میکنند.
البته هر چیزی دوجنبه دارد خوب و زشت.

طوری که باید ریشه دوانده باشد و در آنده است.
ماباید خیلی سعی بکنیم که در این قسمتها تنفر مردم را حاصل نکنیم این قسم مالیات که می آیند در دروازه جلوه مکاری را می گیرند.
شولایش را برمی دارند تا برود پول تهنه بکنند بیاورد اسباب تنفر عمومی است.
خودتان هم ملاحظه فرموده اید یا روی انصاف نگذارید به بنیید تاجر خدی یک مکاری که از چند فرسخ می آید اینجا در بین راه در تابستان گرما و در زمستان سرما می خورد خرجش تمام می شود.

آمده است اینجا که از پس کرایه اش یک عایدی پیدا کند یا از فروش بارش یک عایدی ببرد آنوقت در دروازه او را چند ساعت معطل می کنند و زنجیرش را از او میگیرند بنده تمام مراحل مالیه را طی کرده ام برای تفتیش در دروازه رفتن او دیده ام که چقدر اسباب زحمت مکاری است این قبیل مالیات بالاخص که یک چیز تازه است. اگر چه معمول است. نمیگویم نیست ولی حالا میخواهم صورت قانونی بدهیم.

مخالفت من هم از این جهت است که می خواهم صورت قانونی پیدا نکند.

بنده منتظر بودم وقتی این لایحه به کیسیون قوانین ماله می آید قانون مستغلات را بر این مقدم بدارند و اگر احتیاجات بنده برمی شود و تمام می شود دیگر این را مسکوت بگذارند و موقوف کنند.

آقای داور میفرمایند از این قضایا بر گردیم و بیایم ببینیم بنده باید داشته باشیم یا نه.
مغارجی برای بنده باید کرد یا نه و عایدات این را باید از شهر طهران جمع کرد یا نه.

بنده عرض می کنم البته باید بنده داشت باید عایداتش هم از طهران باشد ولی عایدی منطقی.

این احزابی که در دنیا تمام درست شده که مقدمه آن و کوچکتر یعنی ابتدای آن از دموکرات شروع میشود تا انتهایش که می رود بالاخره یکدکدام وضع مالیات بر این اقسام کرده اند؟ مگر این که نهی کرده اند.

آخر ما در سیاست پیرو کدام یک میشویم.
آقای داور میفرمایند بعد از این اگر قانون مستغلات هم آمد اینجایک اشخاصی مخالفت میکنند.
البته هر چیزی دوجنبه دارد خوب و زشت.

یک عده زشت را می بینند مخالف هستند ولی وقتی منطقی دلیل و برهان و فلسفه صحیح بود مخالفت چه اثری می دهد.
لیکن عرض میکنم و اساساً دولت آقای داور هم با نسیان و ساسانه ای که با اخلاق و فکر ایشان دارم گمان نمیکنم ایشان هم در حقیقت نفس الامر بگویند که بار او را باید در دروازه سه قران از شش گرفت و بیچاره مکاری را در دروازه معطل کنند و شولای او را بر بکشند.
اساساً بنیید این شکل چقدر اسباب زحمت است؟
اساس مخالفت بنده یکی این است که اصلاً اینطرز مالیات مخالف عقیده و مردم و اسباب تنفر عمومی میشود و بالاخره چیزی که وضع شود بر اوراق عمومی همانطوری که آقای مدرس فرمودند مالیات بر خرج آنها خرج لازم و حتمی و خوراک مردم.

بنده این را غلط می دانم. و اما یک قسمت دیگری را که می خواستم تذکر عرض کنم آن اطلاعات مالیه ای است که دارم و میخواهم عرض کنم در قسمت اداری برای جمع و ضبط این گونه مالیات ها خرجهای زیادی باید بشود که ابتدا ارزش ندارد.

ملاحظه فرمایند در این بودجه هائی که از دوره های سابق فرستاده اند مجلس قسمت مالیات های مستقیم خاصه همان قسمت نواقل را به بنیید تقریباً تومانی شش قران هفت قران خرج تفتیش و ضبط مبادات آن میکنند.

چیزی هم که هست اینست که غیر از این شکل هم که اداره میکنند هر مدیری هم باشد بهتر نیست اداره کرد اصلاً این شکل گرفتن مالیات از مکاربان که میفرمایند قاچاق بکنند و مکاری که پنجشاهی برایش خیلی اهمیت دارد.

بنده مطابق تحقیقاتی که کردم از آقای سالار لشکر و آقای مصدق السلطنه این هم موافق همان تمدن اروپائی می است.

مالیات گمرکات شهری است. یک لفظ فرانسه هم دارد که بنده یاد تکرار کنم. در دروازه ها می گیرند و حالا که آقای داور زمینه دستشان آمد البته در این باب شرح خواهند داد.

همین مالیات را در دروازه پاريس هم که انشاء الله تشریف میریزد ببینید این چیزی نیست که اینجا مورد حمله قرار بدهند بگویند ای داد بدهاد اوراق عمومی.
آقا فرمودند والله قسم اهالی طهران خیلی فقیرند چسارت میشود ماها انقلابی

آقای سید یعقوب - بنده اولاً از آقای داور که مغیر کیسیون قوانین ماله هستند مملکت میفرامم زیرا مخالفت کردن بنده راجع بمالیات تصاعد طاعت داشت و آن علت در اینجا موجود نیست.
علتی که بنده در آنجا مخالفت کردم از این تعلقه بود که عوارض مملکت آن چیزهایی که عنوان عایدی و مالیات دارد من که یک نفر از نمایندگان هستم نمی دانم چه طور معرف میشود.
چون نمی دانم و معرفش هم فرستاد است و طریق اخذ و وصولش معلوم نیست این بود که بنده مخالفت کردم.
اما آن فلسفه در اینجا نیست اینجا از روی علم و اطلاع و حقیقت واقع می دانم که هر چه اخذ بشود بصرف میرسد.
آقایان میفرمایند از زاق عمومی آقا منافع هم عمومی است.
بلی نباید مالیات بر اوراق عمومی قرار داد اما آیا نباید منافع عمومی را هم در نظر گرفت و ملاحظه کرد؟
بنده تهران تشکیل شده است برای منافع و راحتی اهل شهر.
اهل تهران که میخوانند بنده داشته باشند که اسباب راحتشان باشد.
دارالبحیره داشته باشند دارالساکنین دارالرضاهه. مرضخانه داشته باشند. در هر جا مستراح داشته باشند. آبش خوب باشد.
که از دوره های سابق فرستاده اند مجلس قسمت مالیات های مستقیم خاصه همان قسمت نواقل را به بنیید تقریباً تومانی شش قران هفت قران خرج تفتیش و ضبط مبادات آن میکنند.

چیزی هم که هست اینست که غیر از این شکل هم که اداره میکنند هر مدیری هم باشد بهتر نیست اداره کرد اصلاً این شکل گرفتن مالیات از مکاربان که میفرمایند قاچاق بکنند و مکاری که پنجشاهی برایش خیلی اهمیت دارد.

بنده مطابق تحقیقاتی که کردم از آقای سالار لشکر و آقای مصدق السلطنه این هم موافق همان تمدن اروپائی می است.

مالیات گمرکات شهری است. یک لفظ فرانسه هم دارد که بنده یاد تکرار کنم. در دروازه ها می گیرند و حالا که آقای داور زمینه دستشان آمد البته در این باب شرح خواهند داد.

همین مالیات را در دروازه پاريس هم که انشاء الله تشریف میریزد ببینید این چیزی نیست که اینجا مورد حمله قرار بدهند بگویند ای داد بدهاد اوراق عمومی.
آقا فرمودند والله قسم اهالی طهران خیلی فقیرند چسارت میشود ماها انقلابی

بنده مطابق تحقیقاتی که کردم از آقای سالار لشکر و آقای مصدق السلطنه این هم موافق همان تمدن اروپائی می است.

مالیات گمرکات شهری است. یک لفظ فرانسه هم دارد که بنده یاد تکرار کنم. در دروازه ها می گیرند و حالا که آقای داور زمینه دستشان آمد البته در این باب شرح خواهند داد.

ما اهالی را باین بدبختی و فقرانه احتیاج هر وقت خواست یک امتیاتی و راحتی برایشان پیدا بشود جلو آن گرفتیم. وقتی که در مملکت امنیت نشد مملکت فقیر میشود و وقتی که امنیت شد و قوای دولت در انصاف نقاط مملکت سازی شد مرکز هم قوت پیدا می کنند.
پس ماباید قدمهایی برداریم و اقدام کنیم یک کارهای بزرگی هر چه بنده ملاحظه کردم دیدم مخالفت کردیم راجع بمالیات تصاعد از آن فلسفه بود که عرض کردم چون نمی دانم معرفش چیست و شاید بصرف میز و صندلی برسد و شاید بدست ماورین داده شد که اسباب زحمت و فشار مردم بشوند.
اما این را بنده میدانم می بینم که با اصطلاح میگویند در دروازه چهار تا است دیگر حرف ندارند.
میدان تویخانه را در این شهر طهران میگردیم می بینیم تمام آقایان چند سال قبل را در نظر بیاورند به بنیید از آنروزی که اداره بنده در دست این کفیل فعلی داده شده است چقدر ترقی کرده است و چه قدر زحمت نسبت به بنده داشته است؟

بنده این را غلط می دانم. و اما یک قسمت دیگری را که می خواستم تذکر عرض کنم آن اطلاعات مالیه ای است که دارم و میخواهم عرض کنم در قسمت اداری برای جمع و ضبط این گونه مالیات ها خرجهای زیادی باید بشود که ابتدا ارزش ندارد.

ملاحظه فرمایند در این بودجه هائی که از دوره های سابق فرستاده اند مجلس قسمت مالیات های مستقیم خاصه همان قسمت نواقل را به بنیید تقریباً تومانی شش قران هفت قران خرج تفتیش و ضبط مبادات آن میکنند.

چیزی هم که هست اینست که غیر از این شکل هم که اداره میکنند هر مدیری هم باشد بهتر نیست اداره کرد اصلاً این شکل گرفتن مالیات از مکاربان که میفرمایند قاچاق بکنند و مکاری که پنجشاهی برایش خیلی اهمیت دارد.

بنده مطابق تحقیقاتی که کردم از آقای سالار لشکر و آقای مصدق السلطنه این هم موافق همان تمدن اروپائی می است.

مالیات گمرکات شهری است. یک لفظ فرانسه هم دارد که بنده یاد تکرار کنم. در دروازه ها می گیرند و حالا که آقای داور زمینه دستشان آمد البته در این باب شرح خواهند داد.

همین مالیات را در دروازه پاريس هم که انشاء الله تشریف میریزد ببینید این چیزی نیست که اینجا مورد حمله قرار بدهند بگویند ای داد بدهاد اوراق عمومی.
آقا فرمودند والله قسم اهالی طهران خیلی فقیرند چسارت میشود ماها انقلابی

می آید اینجا از همه جلوتر هم ما را میاید اوهیچ ثمن نگیریم
یک نفر از نمایندگان - مذاکرات کافی است
آقای سید یعقوب - بنده تعجب میکنم آقا شما حق ندارید در این صحبت بنده بگوئید مذاکرات کافی است.
آقای رئیس خودشان می دانند شما حق ندارید.
رئیس - گفتند عده کافی نیست
آقای سید یعقوب - غیر عده کافی است چند نفر هم که آمدند و همه بنده در حضور مبارک عرض میکنم که ایشان حق ندارند.
عرض دیگر آمدم سر این افلامی که در این لایحه نوشته شده است. اگر آقایان مخالفین ایرادی دارند در این اعلام یا از جهت وصول و خرجش همین مجلس شورای ملی رأی داد پیشنهاد آقای امیر حشمت وجسی از آقایان که مغارج و عوارض بنده ۱۰ ماهه ماه باید طبق و توزیع شود که هم نمایندگان بدانند و هم اهالی طهران که این پولهایی که داده اند کجا صرف شده.
ورقه آن را هم طبق و توزیع کردند یعنی ماها. اگر ما یک ایرادی داریم که فلان مصرف غلط است یا بیجا شده است یا طریق وصول صحیح نیست باید بگوئیم بنده ناچارم اینجا داخل بشوم در یک مسئله علمی اولاً بنده لازم است بانه با اصطلاح حکما میانه ای هست و نیست واسطه نیست بنده لازم داریم باندازه ام؟
کازرونی نداریم
آقای سید یعقوب - نداریم اما برای کسانی میگوئیم که لازم دارند. برای شهر تهران می خواهم برای جایی می خواهم که پارلمان دارد.
بعد از اینکه قائل شوم بودجه بنده بکار میفرمایند بانه مسلمانان نمیتوانم بگوئیم مصارف نمی خواهد.
حالا آمدم سر مصارفش. از هوایده هم می که باید در خزانه مملکتی وارد شود که نمیتوانم مصارف بنده طهران بکنیم این مسلم است.
معینی دارد.
حالا که برای بنده مصارفی قائل شدیم مصارف و مغارج آن را باید از کجا تهیه کرد؟ غیر از مردم شهری که از وجوه بنده و مؤسسات بنده استفاده می کنند باید گرفت؟ مغارج بنده را که معین کرده اند می گویند این هم عوارض است.
پولهایی هم که گرفته ایم بفلان مصارف رسانده ایم. اگر آقایان ایرادی دارند که فلانجا اسراف شده است ایراد کنند و الا بنده از تصدیق باینکه ما بنده لازم داریم مصارف

بنده این را غلط می دانم. و اما یک قسمت دیگری را که می خواستم تذکر عرض کنم آن اطلاعات مالیه ای است که دارم و میخواهم عرض کنم در قسمت اداری برای جمع و ضبط این گونه مالیات ها خرجهای زیادی باید بشود که ابتدا ارزش ندارد.

ملاحظه فرمایند در این بودجه هائی که از دوره های سابق فرستاده اند مجلس قسمت مالیات های مستقیم خاصه همان قسمت نواقل را به بنیید تقریباً تومانی شش قران هفت قران خرج تفتیش و ضبط مبادات آن میکنند.

چیزی هم که هست اینست که غیر از این شکل هم که اداره میکنند هر مدیری هم باشد بهتر نیست اداره کرد اصلاً این شکل گرفتن مالیات از مکاربان که میفرمایند قاچاق بکنند و مکاری که پنجشاهی برایش خیلی اهمیت دارد.

بنده مطابق تحقیقاتی که کردم از آقای سالار لشکر و آقای مصدق السلطنه این هم موافق همان تمدن اروپائی می است.

مالیات گمرکات شهری است. یک لفظ فرانسه هم دارد که بنده یاد تکرار کنم. در دروازه ها می گیرند و حالا که آقای داور زمینه دستشان آمد البته در این باب شرح خواهند داد.

همین مالیات را در دروازه پاريس هم که انشاء الله تشریف میریزد ببینید این چیزی نیست که اینجا مورد حمله قرار بدهند بگویند ای داد بدهاد اوراق عمومی.
آقا فرمودند والله قسم اهالی طهران خیلی فقیرند چسارت میشود ماها انقلابی

هم میخوانند و فوائد آن هم عاید عامه می شود و یک مؤسسه ای است عام المنفعه که هم از آن استفاده میکنند.

بعد از قبول این مقدمات ما دیگر نمیتوانیم در هر جا که میسریم جلوفلانمخارج را بگیریم.

هرمخارج را که جلوش را بگیریم يك مؤسسه عام المنفعه از این برده ایم دارالعجزه اش را ازین ببریم؟ دارالاساکین را ازین ببریم کدام يك از اینها که واقعا برای يك ملت اسباب آبرو است و زنده گي يك ملت زنده است باید ازین برده؟

ملت زنده ملت است که مؤسسات عام المنفعه داشته باشد اگر مؤسسات عام المنفعه نداشته باشد آن ملت زنده نیست.

امروز که ما یک کتب ملت زنده هستیم بفکر عمومی افتاده ایم برای منافع عمومی قدم میزنیم چه طور میتوانیم مخالفت کنیم؟ حالا اگر ایرادی دارند بگویند که فلان مصرف در فلان موقع غلط است و الا ما با این استفاده عمومی گمان نمیکنیم بتوان مخالفت کرد.

(بعضی گفته اند اكرات کافی است)

رئیس - رأی میگیریم برای شور مواد

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی نیست.

رئیس آقا اینکه مذاکرات را کافی میدانند تقاضای فرمایند.

(اگر بخواهند)

رئیس - اکثریت است رأی میگیریم برای شور در مواد آقایی که تصویب می کنند قیام فرمایند.

(عده کنیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده اول

مدرس - پیشنهاد بنده چه شد؟

رئیس - جایش اینجابود

(ماده اول شرح ذیل فرات شد)

ماده اول - برای خارج بندی تهران از اجناس وارده عوارض شرح ذیل اخذ می شود

حبوبات بطور کلی از قبیل نخود سفید و سیاه - لیه - پالا - عدس - ماش - سبزی و سنگینک - گاو دانه - غیره باری دو قران

کلیه اقسام برنج باری ۴ قران

بره و بز و گوسفند زنده رأسی يك قران

مرغ و تخم مرغ باری ۲ قران

ماهی باری ۵ قران

خشکه با از قبیل بادام - پسته - کشمش - مویز - غیره باری ۵ قران

خرز و به اسفغانی و گلانی نظیر باری ۴ قران

نقط باری ۳ قران

بزرین باری ۱۰ قران
مرکبات از هر قبیل باری ۳ قران
انگور سیاه - قارج - شاه بلوط باری ۴ قران
گندم و جو آرد باری ۲ قران
مصالح بناهی الف آجرو - سنگ باری ۱۰۰ دینار
ب کچ باری ۱۵۰ دینار
ج آهک باری ۳۰۰ دینار
د تبر باری ۵۰۰ دینار
ه الوار و کرده باری ۱ قران
ذغال سنگ باری دو قران
قند - شکر آهن باری ۵ قران
کلیه قماش - قالی - چائی - خزائی بلور آلات و سایر مال التجاره غیر از آنچه مالیات علیحه برای آنها تعیین شده باری ۱۰۰۰ ریال

تیسره ۱ - اعلام ذیل از ادای عوارض ورودی بلدی ماب خواهد بود

الف - سبزیجات و صیفی از قبیل خیار هندوانه و غیره و ماسال آن
ب بونه - هیزم - ذغال چوب
ج میوهجات
د سلف تر و خشک و یونجه
ه روغن کره زنبق
تیسره ۲ - پارچه است از محمول يك قاطر و یا يك شتر چنانچه پارچه است از اجناس مختلفه باشد

عوارضی که بر جنس اعلام آن تعلق میگیرد برای يك بار تمام اخذ و قبضه معاف خواهد بود

در صورتیکه جنس بوسیله راه حمل شده باشد چنانچه در صندوق یا جوال یا این قبیل ظروف باشد

دو بسته يك بار محسوب میشود مشروط بآنکه يك بسته از ۲۵ من تجاوز ننماید و در صورتیکه بدون ظرف در راه بر ریخته شده باشد از فراروزن هر خررواری دو بار محسوب میشود از بارهای الاغی نصف عوارض مقرره دریافت خواهد گردید

رئیس - آقای محمد ولی میزادر این باب مخالفت؟

راجع به قسمت اول حبوبات؟

محمد ولی میزادر بلدی بنده هم بطوری که بعضی از آقاییان شرح دادند و بیانی اظهار فرمودند در قسمت وضع عوارض بر اراکان که عبارتست از غله و سبزی و حبوبات و میوهجات و صیفی جات مخالفت والیه لازم نمی دانم که تشریح کنم و معلی عرض کنم

در کلیات آقای مخیر اظهاراتی فرمودند بنده در يك قسمت از آنها هم و خریک هستم والیه مالیات بر مصارف مالیات بر برنج نیست

زیرا يك قیمت عمده از عوارض اشخاص صرف مصارف می شود و هر کس يك سهم

عمده از عوارض را بالاخره باین طریق مصرف میکنند و در آن موقعی که مصرف میکنند مسلما چون يك وجه نقدی تهیه کرده است بهترین مواد است که برای رفع حوائج اجتماع همه مشارکت کنند و در همان آن يك چیزی مانده شود و این ترتیب از هر چه هم برای دهند و هم برای گیرنده خیلی سهل تر عمل میشود و بصره نزدیکتر است

بعلت این که در آن موقع دیگر هیچ اشکال پیدا نمی کند و آن کسی که میرود قهوه خانه صدفینار پول میدهد و يك فنجان چای صرف می کند در آن صدفینار در واقع يك چیزی از باب عوارض داده است بدون اینکه خودش باین مسئله برخورد کند و باید يك وجهی تهیه کرده است یا بعنوان برج یا بعنوان مصرف در هر حال وجهی موجود داشته است و داده است و در شکم آورده و از آن سه يك جزئی راجع می شود بیت المال و دولت بعنوان عوارض بلدی یا مالیات عمومی از او اخذ کرده است

ولی باین توضیح بنده در مسئله از آن بطوریکه عرض کردم مخالفم چرا؟ راست است که در موقعی که کشایش و وفود نعمت است

چندان ذی اثر نیست چون وقتی که کسی میرود يك تن بکنان برادر که در يك من نانی که دو قران و يك کبابی قیمت دارد صدفینار بدولت مالیات میدهد در مواقع هادی یا بجای بر نه بخورد و تمهیل زیادی هم نیست کنتواند بدهد دولت بلدی هم آن استفاده نماید بکنند

ولی اگر يك تنگنای پیدا شد بطوری که قابل پیش بینی هم هست آنوقت نمیشود گفت اگر تنگنای پیدا شد ما فوراً آن قانون را لغو میکنیم

شاید ما باشیم که آن را لغو کنیم در آن موقع این مالیات خیلی ذی اثر است و در این قبیل مواقع باید اشخاص بی بضاعت از قوت خود و اولادشان کسر نمایند مثلا در اینجا میبوسد گندم باری دو قران البته يك بار نیست و پنج منی دو قران در وهله اول چندان مهم بنظر نمی آید و هر من آن هشتاد دینار میشود

ولی در آن موقعی که سختی پیش آمده آن کسی که بلدی آن دو قران را در روز تحصیل نماید و آن را بدهد چهار تا پنج تانان بگیرد که اولادش صرف میکنند و خودش هم تجدید قوت نماید که بتواند عملی کند در آن مواقع سختی اگر دوست زقت بفرماید از چهار تا پنج تا نان که باید بگیرد یکی از آنها زان بگیرد و آن یکی بعنوان عوارض کسر میشود در این صورت تصدیق بفرمایند که در موارد خاص این مالیات ظالمانه میشود و بنده در پیشنهادی

که تقدیم کرده ام در آنجا ذکر کرده ام کلیتا حبوبات از هر گونه عوارض معاف باشند و بطوریکه بعضی از آقاییان فرمودند بنده هم تصدیق دارم که اگر ما يك قلم نه روی این اعلام بکشیم ممکن است يك مقدار کنیری از عوارض بلدی کاسته شود بنده با کسر عوارض بلدی مخالفم ولی معتقدم که غله و سبزیجات و صیفی جات از دادن هر گونه عوارض معاف باشند و از این دیگر مری پیدا کنیم که از آنها عوارض بگیرند و صدمه هم بر مردم نخورد و عوارض هم زیاد تر شود و خیلی هم سهل الوصول باشد

مثلا بر توتون که در جزء اعلام کیسیون نیست و خیلی هم زیاد مصرف می شود

بنده پیشنهاد کردم از آن مبلغی باسم عوارض ورودی بگیرند و همچنین تنباکوی شیرازی که يك چیز تجلی است و آن کسی که تنباکوی شیرازی را بیکمن سه تومان و چهار تومان میخرد ضرر ندارد که سه چهار قران هم بدولت مالیات بدهد و همچنین آبلیمو تمام اینها چیزهای تجلی است و تشخیص اشیاء تجلی هم خیلی سهل است و مقدار و کسب يك شیشی یا قند آنرا تجلی میکنند و همچنین از سیگار برگی یا توتون سامسون از آنها هم مالیات بگیرند و مخصوصاً فرمایشاتی که آقای مدرس فرمودند

بنده کاملا تصدیق دارم و این مسئله هم چیز جدیدی نیست و در تمام دنیا هم هست و مالیات بر مصارف یکی از مالیات های بزرگ است مثل مالیات مستقیم یا غیر مستقیم

ولی در آنجا این مصارف را تشخیص میدهند و از پارک تومانی اگر اقتضا کرد پنج تومان میگیرند برای اینکه تجلی است و در حساب اقتضای ممکن است از ازابر يك تومانی بکتران بگیرند چه دلیل دارد که از منسوجات ابریشمی و پشمی این اندازه کم بگیرند این کیسیون اقتصادی است که ما انتخاب کردیم برای جلوگیری از ورود همین اشیاء تجلی بود در دوره چهارم مامی گفتیم که باید از ورود اشیاء تجلی جلوگیری کرد و عملی نشد و اگر با مصاحبه گورک مراجعه کنند ملاحظه میفرمایند که قریب دو صد هزار تومان فوطی های ما کولات بنام کسرو وارد شده است پس آن کسی که میخواهد مامی کند بپرد و پول زیاد تر بدهد و هر اندازه هم که ممکن است بارش کند چه اهمیت دارد؟ يك اشخاصی هم هستند که خیلی میل دارند از آن کسرو بخرند

بسیار خوب باید صدی شصت یا صدی هفتاد عوارض ورودی برای آنها بدهند و این هم يك قلم خیلی بزرگی است و شاید در کیسیون فراموش کرده اند چون این

لايه از طرف وزارت مالیه آمده است يكیسیون و وزارت مالیه هم اینها را فراموش کرده

حالا ما میخواهیم که باندازه مانی فتمند البته از مامی خیلی بهتر میدانند ولی این قسمت فراموش شده در کیسیون هم اصلاح نشده ما هم چه بر علیه چه بر لهره وانی بدهم حق طلق ما است و هر اصلاحی هم بکشیم گمان میکنم نباید مورد واخذ و ایراد واقع شود این است که بنده در آن پیشنهادی که بهد قرائت خواهد شد ذکر کرده ام که از غله و حبوبات و صیفی جات بطور کلی عوارض اخذ نشود و بنده هم قائل هستم که بلدی ما نه با ده سال پیش که هیچ وجود نداشت بلکه با يك سال پیش هم خیلی خیلی فرق کرده است و از این نقطه نظر موافق نیستیم عوارض بلدی کم شود و بر عکس معتقدم که باید عوارض بلدی را زیاد کرد اما بطریق عادلانه ولی دلیل ندارم در چه پیشنهاد میکنم بنده بفرستد ما باید بطریقش را اینجا تشخیص بدهیم بعد همان را اجرا کنیم و اگر در دیدیم که عایدات کسریدا کرد آنوقت چیزهای دیگری که بنظرمان میرسد پیشنهاد کنیم و بنده گمان میکنم اگر این چند قلم را حذف کنیم و چند قلمی که هم عرض کردم اضافه کنیم عایدات آنها اگر زیادتر نباشد حتماً تکافو میکند و بلاوه چیزهای دیگری هم هست که وارد این شهر میشود و باید بر آنها عوارضی تحمیل نمی شود

و در این لایحه هم پیش بینی نشده است و خیلی اشباه هم در این لایحه هست که بقدر کفایت عوارض بر آنها تحمیل نشده است

مثل اشیاء تجلی که يك تحمیل خیلی سبکی بر آنها میشود که هیچ قابل مقایسه نیست مثلا شام بر لوبیا و سنگینک مالیات وضع میکنند

در صورتیکه قیمت آن چندان زیاد نیست اما بر چهار ابریشمی و اطلس مالیات وضع نمیکند

در صورتیکه باید صد شصت از قیمت آن بر آن مالیات وضع کرده و تشخیص قیمتش هم خیلی سهل است و قیمت آنها هم معین و ورده هم دست مکاری هست و از آن قیمتی که معین است شما باید صد سی یا صد نهل یا صد پنجاه بعنوان عوارض ورودی بگیرد و هیچکس هم حرفی نخواهد داشت برای اینکه آن کسی که پول دارد و میرود از خیابان لاله زار آنرا بابتع میکند در وقت بابتع مالیات دولت را هم میدهد و خیلی هم سهل و بدون اشکال و از هر جهت هم مفید است

تنها نه از نقطه نظر اینکه عوارض ورودی طهران زیاد میشود بلکه از نقطه نظر اخلاقی و اقتصادی هم مفید است این است که بنده پیشنهاد کردم این چند قلم

حذف و بجای آن چند قلم دیگری که عرض کردم اضافه شود و به آقایی که ممکن است از کسرا عایدات تکرانی داشته باشند اطمینان میدهم که به هیچوجه عوارض کسر نمیشود بلکه حاضریم که برویم حساب کنیم تا آقاییان ببینند که علاوه هم می شود

بعضی از نمایندگان - خوب است نفس داده شود

رئیس - در موقع نفس باید شعبه دوم و پنجم و ششم تشکیل شده و سه عضو برای کیسیون عراض تعیین کنند

چون کیسیون عراض مدتی است سه عضو ندارد و کافذجات همینطور باقی مانده و آقاییان هم که اجازه میخوانند تکلیفشان معلوم نیست

مدرس - در شعبه دوم خواستیم بکنفر را انتخاب کنیم کسی قبول نکرد حالا بنده ام باید از خارج معین کنیم یا نه؟

رئیس - چاره ندارد باید بکنفر قبول کند

(در این موقع جلسه برای نفس تعطیل و پس از این ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - آقای داور (اجازه)

داور - بنده گمان میکنم در دفعه اولی که دلائل کیسیون را راجع ب عوارض پیشنهادی عرض کردم غالب دلائلی که آقاییان مخالفین قیلا و بعد اظهار فرمودند جواب داده باشم بجهت اینکه بیانیاتی که بعد آقای زعیم سکردند شبیه بود بهمان فرمایشاتی که آقای مدرس فرمودند و این مسئله که آقای زعیم در ضمن بیانات خودشان تذکره دادند که بنده مستقیم باینکه بایستی از دنیای مشغول سر مشق گرفت و طرز زندگی گمانی متدین را در امور اقتصادی و اموراتی ملکتی سر مشق قرارداد این عقیده را بنده گمان میکنم که نه ایشان از نقطه نظر اعتراض بن فرمودند و نه اینکه بنده از این ترتیب استعکاف داشته ام بلکه همیشه میل داشته ام طرفدار هم از رایش پیدا کنم و امید وارم روز بروز طرفدارانش زیادتر بشود زیرا تا وقتی که این مملکت طرز زندگی گمانی را برنگرداند و از دیگران یاد نکند همیشه همین حال فقر و بدبختی و بیچارگی خواهد ماند و بلکه بدتر هم خواهد شد و شاید يك وقتی پیش بیاید که دیگر هیچکس نتواند زنده گانی ما را نجات دهد

ولی بالاخره باید گذاشت که تمدن اروپائی در این مملکت بیاید و بدبختی اینست که در موقع صحبت کسی مخالفت نمیکند

ولی هر قدر می ما میخوانیم بطرف نظر اخلاقی و اقتصادی هم مفید است این است که بنده پیشنهاد کردم این چند قلم

حذف و بجای آن چند قلم دیگری که عرض کردم اضافه شود و به آقایی که ممکن است از کسرا عایدات تکرانی داشته باشند اطمینان میدهم که به هیچوجه عوارض کسر نمیشود بلکه حاضریم که برویم حساب کنیم تا آقاییان ببینند که علاوه هم می شود

بعضی از نمایندگان - خوب است نفس داده شود

رئیس - در موقع نفس باید شعبه دوم و پنجم و ششم تشکیل شده و سه عضو برای کیسیون عراض تعیین کنند

چون کیسیون عراض مدتی است سه عضو ندارد و کافذجات همینطور باقی مانده و آقاییان هم که اجازه میخوانند تکلیفشان معلوم نیست

مدرس - در شعبه دوم خواستیم بکنفر را انتخاب کنیم کسی قبول نکرد حالا بنده ام باید از خارج معین کنیم یا نه؟

رئیس - چاره ندارد باید بکنفر قبول کند

(در این موقع جلسه برای نفس تعطیل و پس از این ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - آقای داور (اجازه)

داور - بنده گمان میکنم در دفعه اولی که دلائل کیسیون را راجع ب عوارض پیشنهادی عرض کردم غالب دلائلی که آقاییان مخالفین قیلا و بعد اظهار فرمودند جواب داده باشم بجهت اینکه بیانیاتی که بعد آقای زعیم سکردند شبیه بود بهمان فرمایشاتی که آقای مدرس فرمودند و این مسئله که آقای زعیم در ضمن بیانات خودشان تذکره دادند که بنده مستقیم باینکه بایستی از دنیای مشغول سر مشق گرفت و طرز زندگی گمانی متدین را در امور اقتصادی و اموراتی ملکتی سر مشق قرارداد این عقیده را بنده گمان میکنم که نه ایشان از نقطه نظر اعتراض بن فرمودند و نه اینکه بنده از این ترتیب استعکاف داشته ام بلکه همیشه میل داشته ام طرفدار هم از رایش پیدا کنم و امید وارم روز بروز طرفدارانش زیادتر بشود زیرا تا وقتی که این مملکت طرز زندگی گمانی را برنگرداند و از دیگران یاد نکند همیشه همین حال فقر و بدبختی و بیچارگی خواهد ماند و بلکه بدتر هم خواهد شد و شاید يك وقتی پیش بیاید که دیگر هیچکس نتواند زنده گانی ما را نجات دهد

ولی بالاخره باید گذاشت که تمدن اروپائی در این مملکت بیاید و بدبختی اینست که در موقع صحبت کسی مخالفت نمیکند

ولی هر قدر می ما میخوانیم بطرف نظر اخلاقی و اقتصادی هم مفید است این است که بنده پیشنهاد کردم این چند قلم

خیر امروز مسئله فقر و فاقه مردم يك مسئله ای شده است که هر وقت هر کاری که میخواهد در مجلس بگذرد فوج فقر را جلوی ما جلوه می دهند

آقا آن موقعی که تنگنای بشود موقعی است که فقرای اطراف توی شهر میریزند و آنوقت باید برای آنها جا تهیه شود تا بتوانند زنده گانی کنند و بالاخره برای آنروز ما باید يك عوایدی از جلال پیش بینی کنیم

در حال دراصل قضیه از رأی هائی که در این جلسه مجلس داده شده هیچ استنباط می کنیم که آقاییان موافقت ولی راجع به يك صحبت هائی میشود

خاطر آقاییانرا متوجه میکنم به اینکه قضیه غله که الان در تهران بواسطه اداره ارزاق میشود در سال هفتاد هزار تومان عایدات دارد و اگر این عایدات از اینجا کم بشود خرد بودجه ملکتی میرود مثل اینکه وزارت مالیه اول نیخواست بیشتر ادا کند

ولی این هفتاد هزار تومان را امروز ارزاق بلدی می دهد و اگر این باری فلان قدر را بگیرند بطور قطع بداید که در قیمت نان تفاوتی پیدا نخواهد شد

بنا بر این اگر در آن موضوع رأی ندهیم هفتاد هزار تومان برای عایدات مالیه اضافه میشود

برای اینکه دیگر اداره ارزاق آن هفتاد هزار تومان را ببلدی نمی دهد و آن وقت يك قسمت از مؤسسه ای که امروز بلدی دارد خراب میشود و من باشخاصی که دلشان برای فقر مسوزد میگویم که مصلحت باشد از این راه تفاوتی در قیمت نان پیدا نمیشود

بنا بر این تنها میکنم راجع به قسمت غله که يك قلم عمده است موافقت بکنند و رأی بدهند

بعضی از مالیاتهای دیگر را که آقاییان در آنها ایراد داشتند و میگفتند اسباب زحمت است و خوب است چیزی دیگر جای آنها گذاشته شود

البته در این قسمت هم صحبت میکنم و پیشنهاداتی میکنم شاید قابل توجه شود ولی باید این اصل را در نظر داشت که از این عایدات چیزی کسرت نشود

بعضی از آقاییان برای توتون هم مطلب آوردند

یعنی اساساً قبول کردند بمدولی شروع شد آقا میفرمایند مردم فقیرنواز برای روزنگانی آنها

ولی يك مسئله را باید در نظر داشت و آن این است که اگر چند قلم اضافه میفرمایند آقاییان اضافات برای سایر کسرها کافی است

بلاوه عوارض اشیاء تجلی را باید تفکیک کرد

دوره پنجم

خیر امروز مسئله فقر و فاقه مردم يك مسئله ای شده است که هر وقت هر کاری که میخواهد در مجلس بگذرد فوج فقر را جلوی ما جلوه می دهند

آقا آن موقعی که تنگنای بشود موقعی است که فقرای اطراف توی شهر میریزند و آنوقت باید برای آنها جا تهیه شود تا بتوانند زنده گانی کنند و بالاخره برای آنروز ما باید يك عوایدی از جلال پیش بینی کنیم

در حال دراصل قضیه از رأی هائی که در این جلسه مجلس داده شده هیچ استنباط می کنیم که آقاییان موافقت ولی راجع به يك صحبت هائی میشود

خاطر آقاییانرا متوجه میکنم به اینکه قضیه غله که الان در تهران بواسطه اداره ارزاق میشود در سال هفتاد هزار تومان عایدات دارد و اگر این عایدات از اینجا کم بشود خرد بودجه ملکتی میرود مثل اینکه وزارت مالیه اول نیخواست بیشتر ادا کند

ولی این هفتاد هزار تومان را امروز ارزاق بلدی می دهد و اگر این باری فلان قدر را بگیرند بطور قطع بداید که در قیمت نان تفاوتی پیدا نخواهد شد

بنا بر این اگر در آن موضوع رأی ندهیم هفتاد هزار تومان برای عایدات مالیه اضافه میشود

برای اینکه دیگر اداره ارزاق آن هفتاد هزار تومان را ببلدی نمی دهد و آن وقت يك قسمت از مؤسسه ای که امروز بلدی دارد خراب میشود و من باشخاصی که دلشان برای فقر مسوزد میگویم که مصلحت باشد از این راه تفاوتی در قیمت نان پیدا نمیشود

بنا بر این تنها میکنم راجع به قسمت غله که يك قلم عمده است موافقت بکنند و رأی بدهند

بعضی از مالیاتهای دیگر را که آقاییان در آنها ایراد داشتند و میگفتند اسباب زحمت است و خوب است چیزی دیگر جای آنها گذاشته شود

البته در این قسمت هم صحبت میکنم و پیشنهاداتی میکنم شاید قابل توجه شود ولی باید این اصل را در نظر داشت که از این عایدات چیزی کسرت نشود

بعضی از آقاییان برای توتون هم مطلب آوردند

یعنی اساساً قبول کردند بمدولی شروع شد آقا میفرمایند مردم فقیرنواز برای روزنگانی آنها

ولی يك مسئله را باید در نظر داشت و آن این است که اگر چند قلم اضافه میفرمایند آقاییان اضافات برای سایر کسرها کافی است

بلاوه عوارض اشیاء تجلی را باید تفکیک کرد

اشیاء تجلی که وارد این مملکت میشود از نقطه نظر اصول زندگی عمومی هم باید یک توجهی بان شود و در دنیای متقدم هم امروزه این توجه را کرده اند مخصوصاً در فرانسه بعد از جنگ بزرگ شایه تجلی گرام زیاد بسته اند و بعضی را اصلاً منع کرده اند که وارد مملکتشان نشود و من نمی دانم چرا در ایران این کار را نمی کنند.

ایرانی که غالب مردمانش آه ندارند که با ناله سودا کنند علت ندارد که اینهمه اجناس تجلی وارد مملکتش شود و عقیده بنده در این باب بایستی یک تصمیم کلی گرفت.

در مجلس گذشته هم راجع باین موضوع صحبت بود ولی نمی دانم بالاخره چه شد و این که راجع بمالیات و اقسامی بعضی از آقایان می گویند از اشیاء تجلی گرفته شود بعقیده بنده تشویق آبی مشکل است.

بنابر این خوبست آقایان چیزهایی که بنظرشان تجلی می آید پیشنهاد بفرمایند که از این جنس فلانقدر مالیات گرفته شود و آن پیشنهادها هم می رود که کمیسیون و در آنجا وقت می شود ما هم که مقصودی نداریم.

اگر بنده بایک لایحه موافقت می کنم و آقای مدرس مخالفت می کند این اختلاف نظر است که ممکن است بعضی اوقات رفع شود یا اینکه هر دو مان در سر عقیده خودمان باقی باشیم و بالاخره اکثریت مجلس مسئله را حل کند.

البته اختلافات شخصی که نداریم ممکن است اجناسی که بنظر آقایان تجلی می آید پیشنهاد بفرمایند اما باید در نظر داشت که هایدات بلدی از این کمتر نشود.

حالا اگر زیادتر شود بهتر است ولی نباید کسر شود و از آن بلدی بعضی احتیاجات دارد که بواسطه نداشتن استطاعت نمیتواند کاری بکند مثلاً یک عده زیادی گدا در کوچه ها هست که بواسطه کسی هایدات نمیتواند جمع کند پس باید سعی کرد هایدات بلدی را زیاد کرد تا لایق باین صورت تجلی باشد و از برای این کار مالیاتهایی که بنظر آقایان می رسد بطور سریع پیشنهاد کنند تا در آنها ملاحظه کرد شود کمیسیون مطالعه نماید البته اگر در دیدم یک اجناسی هست که اسباب زحمت عمومی است ممکن است چند قلم را حذف کرد و چند قلم دیگر بجایش گذاشت.

رئیس - آقای شیروانی (اجازه) شیروانی - در این موقع که یک لایحه برای قانونی کردن متداری از مالیاتها گرفته میشود مجلس آمده است بعقیده من یکمذاکرانی خارج از موضوع لایحه در این جا راجع بلزوم بلدی و مؤسساتش می شود.

بنده هم می خواهم چند کلمه خارج از موضوع عرض کنم و لزوم بلدی را قدری بیشتر از آقایان موافقین بسط بدهم. بلدی یک چیزی است که گمان نمیکنم پیش احادی محل انکار باشد که بلدی برای مملکت لازم است و خرجش را هم اهل شهر باید بدهند ولی مغارج بلدی را باید آنهایی بدهند که میتوانند بدهند.

در سایر جاهای دنیا بعقیده بنده بلدی یک مؤسسه است که واسطه بین توانگر و متولوسر مایه دارد و فراه است. باید از یکطرف پول گرفت و خرج اشخاص کرد که خودشان نمیتوانند از همدانگاه مادی خود بر آیند.

مؤسسات بلدی در جاهای دیگر دنیا عبارتست از اولاً از مؤسسات خیریه و صبحه و مؤسساتی که مربوط بعقظ فقرا و ضمای مملکت است بعد در درجه چهارم و پنجم مؤسسات ساختمان و الکتریک که آسایش طبقات عالی را فراهم میکنند.

اول باید وسائل آسایش طبقه بیچاره را در نظر گرفت بعد طبقه عالی را و در اینجا ما معکوس عمل می کنیم یعنی از یک عده فقیر بدست بیچاره (بقول ما صفا فی اناهدسی خورها) پول می گیریم و برای اغنیاء الکتریک در خیابانها می کشیم.

این سنگک کدر اینجا نوشته شده دولت اهالی تهران در این فصل زمستان بالبو و سنگک زندگی میکنند.

آقای مدرس از اینها پول بگیریم بنده مخالفم و طرفدار یک بلدی هستم که از ساکنین خیابانهای الکتریک دار پول بگیرد و خرج آن سنگک خورها بکند در اینجا یک مسئله هم گفته می شود که بنده مجبورم امروز هم عرض بکنم و آن این است که تا یک کلمه حرف راجع بعارف از دهان کسی در اینجا بیرون می آید فوراً مسئله هو پیش می آید که آقایان خواهد دما گوزی بکنند معارف را بر خرد بکنند.

بنده می خواهم دما گوزی بکنم و بنام دما گوزی معارف این مملکت را ترقی بدهم.

یا اگر گفته شود فراه فوراً میگویند فراه را بر خرد بکنند بنده می خواهم طرفدار از فراه بکنم تا در دوره ششم بنده رای بدهم و مراوکیل بکنند.

بنده از آقایان استدعا می کنم در موقعی که در مسائل مهم مملکتی مذاکره می شود بهم نیش نزنند خیلی خوب بنده از فراه طرفداری میکنم؛ ولی بنده طرفداری از فراه نمیکنم برای اینکه من رأی بدهم دیگر از این بالا تر که نیست پس استدعا میکنم که هر روز این مسئله در مجلس تکرار نشود.

بنا بر این بلدی به مذاکرانی فرمودند چون خود بنده با کفیل فعلی بلدی خیلی رفیق هستم و مخصوصاً معاملات ایشان را از نزدیک دیده ام، لازم است این یک راه هورا هم بینیم.

بلدی از روزی که در تحت توجهات آقای کریم آقا خان سرهنگ اداره میشود دیده میشود که در بعضی مؤسسات یک نوسه داده شده و خیابانها ساخته و چراغ کشیده شده است و آن دو سته سصد هزار تومان قروض را هم که سابقین تهیه کرده بودند ایشان دارند منتهلم می کنند و سه ماهه حساب می دهند بنده کاملاً طرفدار ایشان هستم.

ایشان از ما چه می خواهند؟ ایشان پول را میخواهند برای این که بلدی را اداره کنند.

چیز دیگری که نمی خواهند ما را مجبور نمیکند و پشت گردن ما هم نمی زنند که حتی از این راه باید پول گرفت.

حالا ما هم میخواهیم پول برای ایشان تهیه کنیم. داوور - این شخصی است شیروانی - می خواهیم برای عدلیه پول تهیه کنیم.

چون اینجا داخل شخصیات شدند و گفته شد که یک خوب کار می کند بنده هم این جواب شخصی را دادم.

بالاخره ما پول می خواهیم برای بلدی تهیه کنیم. آقای داوور که مخبر کمیسیون هستند و یکمده دیگر از آقایان متقدمند که همه اقلامی که در اینجا نوشته شده و از توی قوانین مایه بیرون آمده و حتی آنها را قبول کنیم.

بنده عرض می کنم این چه احتجاج است که ما بکنیم یا یک عهده شوری هستیم باید بشینیم و تبادل نظر کنیم بعد دیگر فکر بدهیم و فکر بکنیم و ببینیم آن فکری که خوبست کدام است همانطور تمیق کنیم در اینجا گفته شد که ایرانی نمیتواند مالیات بدهد و حاضر نیست.

حاضر است بدهم ولی از کسی که ندارد نمی دانم چه میگیرند.

شما از آن کسی که هیچ ندارد میخواهید مالیات بگیرید.

شما از آن کسی که یکمده دارد تا میتواند مالیات بگیرد و این عقیده خود را بیروزی کنید که هر کس میتواند و قوه مالیات دادن را دارد آنقدر مالیات از او بگیرد حتی هستیش را تلفینار آخر میتوان مالیات بگیرد.

ولی آن کسی که آن دینار آخری را ندارد میخواهد از او هم بگیرد؟

خیر از آن کسی که دارد بگیرند. اینجا گفته شد که اغنیاء مالیات مخالفت میکنند.

بنده تصور نمیکنم که بنده و آقای مدرس جزء اغنیاء باشیم.

از اغنیاء بنده یک نفر سراغ داشتم که جزء مخالفین با این لایحه بودند و یک پیش نهادی هم کردند که اغلب بنفوشان هم عرض کردم که این اول دفعه است که ایشان حرف صحیحی زدند ما میخواهیم به پنجم جمع این لایحه بچند است.

بنده بنده خوبست عوض اینکه در اینجا در امر افتخار مذاکره میشود در برگرد بکمیسیون قوانین مایه و یکمده دیگر از آقایان قول میدهم که یک چیزی هم زیادتر از این که در این لایحه پیش بینی شده میتوان هایدات درست کرد ولی باید مجلس را عرض کنیم.

بنده عرض میکنم جوابات از قبیل نفوذ و عدس و کدوم جورا که اینجا گذاشته اند.

متن شده. این یکبارش چهارصد تومان وارد میشود مالیات آنرا شصت تومان بکنند و آن کسی که استعمال میکند بیشتر پول بدهد بخرد.

آنوقت نظریه آقا هم که فرمودند باید فکری کنیم برای عدم ورود اشیاء تجلی در اینجا تأمین میشود و بهترین راه همین است.

وقتی گران کردند دیگر مردم تنبیرند در اینصورت شما در اینجا دو قانون میگذرانید.

یکی اینکه اشیاء تجلی را شما منع کردهاید که وارد مملکت نشود و دیگر اینکه یک هایدات خیلی زیادی هم برای بلدی تهیه شده و مؤسسات زیادی هم میشود درست کرد.

بنده بجای این هفتاد هزار تومان با صد هزار تومان بشما نشان میدهم که همه آقایان هم در اینجا تصدیق بفرمایند این مالیات عادلانه است و باید گرفته شود. ما میخواهیم حقیقاً برای مملکت کار کنیم.

برای مردم هم یک فکر هائی بکنیم. فرض میکنم دما گوزی کنیم و اینصورت دما گوزی خوب میخورند؟

بشما عرض میکنم خوبست این لایحه برگردد بکمیسیون قوانین مایه و در اعتراض مطالبه شود.

مناقشه شود برای اینکه موقعی که این لایحه آمده است بکمیسیون آقایان یک نظرهای اجمالی درش کرده اند و یک فکری هم جلوتفکرات همین آقایان گرفته است و آن این است که این مالیات را دارند میگیرند حالا دیگر چرا ماکم و زیاد کنیم.

مردم که میخواهند بعقیده بنده این فکر صحیحی نیست مگر آن مالیاتهایی را که بنده مخالفت کردم نمیگیرند؟

مهم میخوریم تکثیر و بجای آنها یک مالیات بگذاریم و بجای آنها یک مالیات بگذاریم و بجای آنها یک مالیات بگذاریم.

وضع کنند و بلدی را هم برای بلدی و برای هر چیز فایده دارد.

الان اگر بشینید بپهلوی دل آقای رئیس بلدی ببینید دلتان خوشتر برمی آید. بنده عرض میکنم شما این حق را دارید که برای بلدی و برای هر چیز فایده دارد.

رئیس بلدی ببینید دلتان خوشتر برمی آید. بنده عرض میکنم شما این حق را دارید که برای بلدی و برای هر چیز فایده دارد.

بنده عرض میکنم شما این حق را دارید که برای بلدی و برای هر چیز فایده دارد.

بنده عرض میکنم شما این حق را دارید که برای بلدی و برای هر چیز فایده دارد.

بنده عرض میکنم شما این حق را دارید که برای بلدی و برای هر چیز فایده دارد.

بنده عرض میکنم شما این حق را دارید که برای بلدی و برای هر چیز فایده دارد.

بنده عرض میکنم شما این حق را دارید که برای بلدی و برای هر چیز فایده دارد.

ارزاق عمومی معمولاً این است که اگر کسی گیش نیاید بخورد میباید در اصفهان ما و بعضی شهر ها که آقایان از آنجا تشریف آورده اند بنده میگویم که ارزاق عمومی عبارتست از ذرت و یک ذرت مخصوصی هم دارد در اصفهان که وقتی آتش درست میکنند بنده تشبیه کرده ام باش خاک و مثل این است که با خاک آتش درست میکنند.

ارزاق عمومی چند است. ذرت است. سنگک است.

هلر سی - ارزق شیروانی - بلای ارزق است. جای ارزاق عمومی نیست و هر قدر مالیات برایش وضع کنید برای راه آهن. برای بلدی و برای هر چیز فایده دارد.

الان اگر بشینید بپهلوی دل آقای رئیس بلدی ببینید دلتان خوشتر برمی آید. بنده عرض میکنم شما این حق را دارید که برای بلدی و برای هر چیز فایده دارد.

بنده عرض میکنم شما این حق را دارید که برای بلدی و برای هر چیز فایده دارد.

بنده عرض میکنم شما این حق را دارید که برای بلدی و برای هر چیز فایده دارد.

بنده عرض میکنم شما این حق را دارید که برای بلدی و برای هر چیز فایده دارد.

بنده عرض میکنم شما این حق را دارید که برای بلدی و برای هر چیز فایده دارد.

بنده عرض میکنم شما این حق را دارید که برای بلدی و برای هر چیز فایده دارد.

اینها مخالفت نظر است در مسائل اساسی مملکت زیرا وضع مالیات و گذراندن بودجه اینها یک چیز هائی است که بر بوطجریات معمولی نیست. مخالفت یا موافقت راجع بوضع یک مالیاتی که میشود بعقیده بنده فقط از نقطه نظر خوبی بایستی مالیات است و از این جهت بنده مخالف هستم و عقیده دارم که آقای مخبر این لایحه را پس بگیرند و ببرند در کمیسیون اشخاصی هم که یک نظر یاتی دارند بنویسند بنده بکمیسیون در آنجا قلم در دست بگیرند و حساب کنند و از روی عدد آن محلهائی را که ما نشان میدهم با این محلهاستند چون اگر غیر از این باشد بعقیده بنده وقت مجلس تصبیع میشود و میباید پیشنهاد و مذاکره میشود و در قبول میشود بالاخره بیشتر باعث مصلحتی این لایحه میشود.

بنده عرض میکنم شما این حق را دارید که برای بلدی و برای هر چیز فایده دارد.

بنده عرض میکنم شما این حق را دارید که برای بلدی و برای هر چیز فایده دارد.

بنده عرض میکنم شما این حق را دارید که برای بلدی و برای هر چیز فایده دارد.

بنده عرض میکنم شما این حق را دارید که برای بلدی و برای هر چیز فایده دارد.

بنده عرض میکنم شما این حق را دارید که برای بلدی و برای هر چیز فایده دارد.

بنده عرض میکنم شما این حق را دارید که برای بلدی و برای هر چیز فایده دارد.

بنده عرض میکنم شما این حق را دارید که برای بلدی و برای هر چیز فایده دارد.

بنده عرض میکنم شما این حق را دارید که برای بلدی و برای هر چیز فایده دارد.

بجای دیگر صحبت شد آنوقت آقایان توجه مخصوصی میفرمایند.

راجع بمسئله تجلی هم بنده مسئله که در ضمن صحبت عرض کردم واقماً از روی عقیده بود نه اینکه نسبت با آقایان مخالفین خواسته باشم یک توافقی کرده باشم و بنده معتقدم این یک چیزی است که باید در آن دقت کرد و تصمیم گرفت ولی بیشتر نظر بنده از نقطه نظر منع آن ها باید باشد نه اینکه آنها را منبع هایدات قرار بدهیم.

زیرا از نظر هایدات صرفی نخواهیم برد و مثل قضیه تریاک آنطوری که انتظار داریم نخواهد شد.

صرف نظر از اینها شما وقتی که اینکار را کردید و یک عوارضی بستید البته این اشیاء دیگر نمی آید آنوقت شما دیگر پول ندارید هایدات ندارید که خرج بلدی کنید و اگر هم بخواهیم مالیات کمی بگیریم جلو اشیاء او کس را نمیگیرد.

این است که راجع باشاه تجلی یک کاری باید در سرحدات کرد و راجع به مالیاتها صحبت کرد.

یک قسم این است که هر قانونی که مجلس پیشنهاد میشود در سر هر قانون یک مقدار پیشنهاد است و وقتهای فوق العاده میشود و می طراحی میشود مثل اینکه یازده ماه است از مجلس گذشته چهار قانون از مجلس گذشته است که اگر درست دقت شود چندان قابل ملاحظه نیست.

قسم دیگر این است که بطور کلی یک طراحی قانونی از برای مملکت بشود یعنی راجع به زمینه های مختلف از قبیل مسائل بلدی و مسائل عدلیه و غیره یک طراحی هائی شده باشد بعد بتدریج آنها را تکمیل کنند و بعد در هر صورت اجرا شود.

مملکت های دیگر هم وقتی که می خواهند قانونی داشته باشند اول مشغول طراحی در آن میشوند بعد کم کم بتدریج و در ضمن عمل نواقص آنرا رفع میکنند و الا اگر شما بخواهید در هر قضیه که پیش می آید کلیه اطلاعات فلسفی اجتماعی اقتصادی احساس خودتان را بیاورید و در پیالایش برورید و مسائل را زیر و رو بکنید ممکن است در طرف دو سال هم یک قانون نتوانید بگذرانید و بنده تصور میکنم یک قانون ناقص بهتر است از یک قانون کاملی که مدت چندین سال دنبالش بروند و بالاخره مسئله تجلی یک موضوع علیحد است و یک مسائل دیگری دارد.

راجع باوضاع اقتصادی و همه اینها در محل دیگری باید صحبت کرد و یک قانونی وضع کرد نه اینکه شما تمام این مسائل را بخواهید در یک جلسه باطل کنید.

کنید. اما راجع باسترداد لایحه بنده تکلیفی را که آقا می فرمایند خیلی متعجب می کنم اکثریت مجلس اساس این مسئله را قبول کرد.

حالا اگر آقایان راجع باقلامش ریک صحبت هائی دارند بسیار خوب بالاخره آقایان قلم پلمبرای خواهند داد در هر قلم که ایرادی دارند پیشنها و بفرمایند.

آقایان ساینده گان هم با توجه بدلائل آن یاری می دهند بانی دهند.

(بعضی از نمایندگان گفتند مذاکرات کافی است بعضی گفتند کافی نیست)

رئیس - رأی میگیریم.

آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - معلوم میشود کافی است پیشنهادت میباید برای جلسه بعد آقا تهران (اجازه)

آقا شیخ محمد علی طهرانی - بنده خواستم از کمیسیون محترم نفت موافق ماده پانزده نظامنامه داخلی شورای کتب که زیاده از دو ماهه بلکه سه ماه است که از طرف کمیسیون نفت رایورت داده نشده است که در باب نفت چه تصمیمی اتخاذ کرده اند و آن کمیانی نفت امریکایی که بنا بود تلگرافش بیاید و در کمیسیون قرائت شود و تصمیب اتخاذ کنند و وارد در مجلس بشود چه شده؟

اگر فراری که شنیده ام کمیانی گفته است که ماده راجع باستراض و ا نمی توانم قبول کنم یعنی ده میلیون قرض را امتناع دارم ولی قبول کردن سایر کثیرات را قبول دارم یک هدیه چیز بی بنده شنیدم صدق و کذب را بنده نمی دانم البت آقایان می دانند.

مرض من این است که مملکت محتاج بامر اقتصادی است امر نفت هم از امور اقتصادی است و شاید مقداری از مردم را از فقر و فاقه نجات بدهد.

ما باید در امر نفت خیلی اهمیت بدهیم هم نسبت به خارجی و هم نسبت به داخلی ایران.

اگر راجع به خارجی نشود افلا یکی دو یا لترا برای داخلی ایران تصمیم بدهیم بلکه یکمده از بیکاران مملکت مشغول کار شوند و قبول وارد مملکت شود.

عرض بنده از این بیان همین بود.

در مرحله دوم خواستم تقاضا کنم از مجلس و از مقام منبع ریاست که امر بفرمایند بهیچ دولت قبل از اینکه داخل

سه ۱۳۰۴ بشویم بوجه سه آتیه را در اصل تهیه کرده و بمجلس بیاورند که مثل اصل نشود.

یک نفر از نمایندگان - در تبصره قانون بوجه نوشته شده.

طهرانی - مربوط به تبصره نیست و بالاخره ما وقت داشته باشیم برای مذاکره که بعضی از مالیاتهای غیر مشروع را حذف کنیم و بعضی ادارات غیر مشروع را ایفا کنیم این یک چیزی است که وظیفه ما است و من میترسم که بوجه سه آتیه را قبل از حمل بمجلس بیاورند و آنوقت در آخر سال سه آتیه ما وارد شویم در آن بوجه و بگوئیم چون هشت ماه گذشته است لازم نیست صحیح یا ارزاق را فلا بطور کنیم.

موم تقاضای من از مقام منبع ریاست اینست که وزیر فرائد عامه را امر فرمایند بمجلس حاضر شوند برای جواب سؤالی که بنده در باب تنزل تجارت مالی کرده ام نصرت الدوله - اجازه میفرمایند رئیس - بفرمایند نصرت الدوله - سؤالی که آقای طهرانی از کمیسیون کردند دو قسمت است یکی راجع به نفت که مربوط به کمیانی سینکربود.

یکی هم راجع به نفت داخلی چنانچه خاطر آقایان مستعضر است نماینده کمیانی در چندین قبل از ایران طرف اروپا حرکت کرده.

ورود او باوشانگتن مصادف شد تقریباً با حرکت آقای رئیس الوزراء و البت قبل از ورود ایشان بر کز و معالمانی که باید بکنند یک تحقیقات کاملی ممکن نبود و اگر یک جوابهای داده شده هنوز آن جوابها با اطلاع کمیسیون نرسیده است و البتة حالا که آقای رئیس الوزراء شریف فرما شده اند تحقیقات خواهد شد و نتیجه آن بر عرض مجلس خواهد رسید.

راجع به نفت داخل هم در جلسات عدیده و در جلسه اخیر مطالعه شده و دیگر معطلی ندارد و فقط یک جلسه دیگر باید کمیسیون تشکیل بشود برای خواندن موادی که اصلاح شده تصویب ماده واحد و گمان میکنم برای هفته آتیه مسامرا ابرت راجع با امتیاز نفت داخلی ایران تقدیم مجلس شورای ملی میشود.

رئیس - آقای حاضر بزرگ (اجازه)

حاضر بزرگه - راپرت کمیسیون تجدید نظر در قانون انتخابات یکمده است تقدیم مجلس شده است وقت هم خیلی تنگ است استدعا میکنم برای اول جلسه آتیه جزو دستور شود و یا اینکه هفتهای یک روز را تعیین بدهند باین قانون که زودتر بگذرد هم دولت و هم مردم تکلیشان را بفهمند.

رئیس - برای فردا که گمان میکنم مشکل باشد چون باید فردا مذاکره همین لایحه که حالا شروع شده است باید تمییز شود اگر صلاح میدانند روزهای پنجشنبه برای قانون انتخابات معین شود.

جمعی از نمایندگان - صحیح است.

رئیس - مخالفی ندارد؟ (گفتند خیر)

رئیس - دستور فردا اول لایحه عوارض بلدی.

تا نیا سه فقره اصلاحی که آقای یاسانی کرده و راپرت آن در ظرف آینده در تقدیم مجلس میشود.

(مجلس سه ربع بعد از ظهر شتم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - مؤمن الملک منشی علی اقبال الممالک منشی - معظم السلطان

جلسه صد و پنجم صورت مشروح مجلس یوم یکشنبه ۱۴ آبرج جلی ۱۳۰۳ مطابق هشتم جمادی الثانیه ۱۳۴۳

مجلس دو ساعت ربع قبل از ظهر ریاست آقای مؤمن الملک تشکیل گردید.

رئیس - اینها وقتی تمام شد جزو دستور میشود.

آقای سر کتیک زاده (اجازه)

سر کتیک زاده - مرضی ندارم رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب (اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده میخواستم عرض کنم که یک تاکیدی بکمیسیون نظام بشود که زودتر لایحه قانون سربازگیری را بمجلس بیاورند زیرا این مسئله هم اسباب زحمت مردم ولایات و البتة آقایان اطلاع دارند که چه صدماتی به مردم وارد میشود و شاید همین ترتیباتی که راجع بیلدیه گفته شد بواسطه همین فشارهاست.

بنده تقاضا میکنم که در این باب معاف توجهی بشود زودتر این لایحه به مجلس بیاید تا تکلیف سربازگیری معلوم شود.

رئیس - آقای شیروانی (اجازه)

شیروانی - بنده اول جلسه هم عرض کردم پیشنها دای آقای داور راجع به پنجاه هزار تومان محل شهریه که پیشنها شده است جزو دستور شود معطلی هم ندارد فقط باید از جاع بکمیسیون بشود.

رئیس - یک فقره در مطالعه لازم دارد تکلیش را فردا عرض میکنم.

آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده خواستم تقاضا کنم لایحه معافیت ماشینهای صنعتی اگر موعده قانونیش شده است شورائیش شروع شود.

رئیس - برای روز سه شنبه معین میشود.

آقای سالار لشکر - (اجازه)

سالار لشکر - در جواب آقای حاج میرزا عبدالوهاب میخواستم عرض کنم که کمیسیون نظام قانون نظام اجباری را مطالعه کرده و راپرت آن در ظرف آینده در تقدیم مجلس میشود.

(مجلس سه ربع بعد از ظهر شتم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - مؤمن الملک منشی علی اقبال الممالک منشی - معظم السلطان

جلسه صد و پنجم صورت مشروح مجلس یوم یکشنبه ۱۴ آبرج جلی ۱۳۰۳ مطابق هشتم جمادی الثانیه ۱۳۴۳

مجلس دو ساعت ربع قبل از ظهر ریاست آقای مؤمن الملک تشکیل گردید.

رئیس - اینها وقتی تمام شد جزو دستور میشود.

آقای سر کتیک زاده (اجازه)

سر کتیک زاده - مرضی ندارم رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب (اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده میخواستم عرض کنم که یک تاکیدی بکمیسیون نظام بشود که زودتر لایحه قانون سربازگیری را بمجلس بیاورند زیرا این مسئله هم اسباب زحمت مردم ولایات و البتة آقایان اطلاع دارند که چه صدماتی به مردم وارد میشود و شاید همین ترتیباتی که راجع بیلدیه گفته شد بواسطه همین فشارهاست.

بنده تقاضا میکنم که در این باب معاف توجهی بشود زودتر این لایحه به مجلس بیاید تا تکلیف سربازگیری معلوم شود.

رئیس - آقای شیروانی (اجازه)

شیروانی - بنده اول جلسه هم عرض کردم پیشنها دای آقای داور راجع به پنجاه هزار تومان محل شهریه که پیشنها شده است جزو دستور شود معطلی هم ندارد فقط باید از جاع بکمیسیون بشود.

رئیس - یک فقره در مطالعه لازم دارد تکلیش را فردا عرض میکنم.

آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

توسط نمایندگان محترم ولایات ثلاث - مقام منبع ریاست جلیله وزراء معظم کمیته ریاست محترم مجلس مقدس شورایی وزارت داخله - وزارت مالیه - عدلیه - فوائد عامه - جرایم ایران شفق سرخ - معین لیله پنجم جمادی الثانیه ساعت سه حریق برخلاف انتظار بگلکه بازار و دکا کین تویتر کن مصادف صوم تجار و کسبه اهالی فلک زده از هستی ساقط طوریکه وجود نقد - اجناس.

استاد تمسکات قبالجات فیوض مالیاتی چکهای تریاک امانات تجار همدان کرمانشاهان ملایر از هر جهت باین حریق عالم سوزنا بود که احدی از ما سوختگان بدبخت قادر تهیه نان یکشنبه هیالات نیستیم برای استحضار خاطر آن ذوات مقدس بشرح عرض حال خود مبادرت عموماً استدعا مینمائیم

امر شود یک نفر مفتش امین موثقی برای معاینه خسارات وارده و رسیده گری به حقایق قضیه جگر خراش سرما اهرام علاجی بدرود بیدرمان خانمانسوز یک مشت اهالی بدبخت بفرمایند

زیرا این خسارات حریق که نتیجه حاصله - بیصداله - ثروت و اعتبار و شرافت یک ولایت بود تنها با اهالی توسر کان وارد شد بلکه به تمام شهرهای هم چوار متوجه است با کمال تعیر و بهت عموماً سرگردان در تلگرافخانه متضمن چنانچه علاج فوری نفرمایند تمام هیالات مادر این فصل زمستان از سرما و کمرستگی تلف خواهند شد.

موم ملت توسرگان و اصناف و کسبه - میخواستم عرض کنم همان طور که تقاضا کرده اند خوب است از طرف مجلس مقدس بهوت تذکر داده شود که یک نفر مفتش امین برای آوردن خسارات وارده بر اهالی انجا اعزام شود.

رئیس - آقای یاسانی (اجازه)

یاسانی - مدتی وقت دوره چهارم مجلس صرف شور در قانون میزبانی شد و بالاخره گویا در آخر شور دوم مسکوت ماند و مسئله قانون میزبانی رسیده گرچه زیر پرور آقای تقی زاده فرمودند ما همه چیز را هم ترین میدانم ولی انجا به عقیده بنده بهترین وظایف مجلس گذراندن قانون میزبانی است.

(بعضی از نمایندگان صحیح است) تمام شکایات اهالی ولایات که به مرکز میرسد ۹ عشرش راجع به مالیه است و مربوط به تشکیلات مالیه هم نیست راجع بطرز اخذ مالیات است و این شکایات مرتفع نمی شود جز اینکه قانون میزبانی زودتر از مجلس بگذرد و آقایان مستشاران مالیه آمریکائی در رأس مالیه مملکت هستند باید قانون میزبانی به

تصویب برسد زیرا در آتیه اطمینان نیست که بوسیله باموردین دیگر این کار را انجام داد.

بعضی از نمایندگان - (بطور مومنه) اینطور نیست.

یاسانی - این عقیده شخص من است ما اطمینان باموردین خودمان نداریم.

شیروانی - ایرانی از همه کس مطمئن تر است.

آقا سید یعقوب - چرا این قدر به ایرانی توهم میکنید.

یاسانی - به جهت خواستم به آقایان اعضاء محترم کمیسیون قوانین ممالیه تذکر بدهم که خوب است آقایان توجهی بفرمایند و زودتر راپورت قانون میزبانی را تهیه و تقدیم مجلس نمایند تا یک عده مردم ولایات راحت شوند الان در خیلی جاها یک عده خرابه و ویرانه هست که مالیات چهل سال قبل را از آنها مطالب می کنند در صورتیکه انصافاً هر آن چیزی که از آنها بگیرند آنها نباید مالیات بدهند این است که خواهش و تقاضای کنم کمیسیون قوانین مالیه قانون میزبانی را بر سایر قوانین مقدم بدارد و راپرت آن را تقدیم مجلس نماید.

بعضی از نمایندگان وارد دستور شوم.

رئیس - آقای داور مخبر کمیسیون هستند جواب میدهند بعد وارد دستور میشود.

آقا سید یعقوب - باید از ایرانی ها دم دفاع بنمایند.

داور - اگر آقایان اجازه بدهند بنده جواب آقای یاسانی را آن قدریکه راجع بکمیسیون قوانین مالیه است عرض میکنم بعد اگر آقایان لازم میدانند حراستی در سایر قسمتها بفرج بدهند مختارند - مهمترین قانونیکه وقت کمیسیون قوانین مالیه را اشغال کرده است قانون میزبانی است.

کمیسیون مدتی در آن صحبت کرده و هنوز هم مشغول است و بهمان دلیل که این قانون یکی از مهمترین قوانین حساب میشود باید منتهی درجه وقت هم در تدوین آن بعمل آید کمیسیون جلسات متعددی وقت خودش را صرف این قانون کرده نماینده وزارت مالیه مستشار مالیه هم حاضر بوده اند و تا بحال تمام نشده است اخیراً هم بواسطه کسالت نماینده مستشار حاضر نشده است و چند جلسه است که ما نتوانستیم این کار را تمام کنیم و بطوریکه اطلاع داده اند کسالتشان رفع شده است

گمان میکنم در جلسات بعد حاضر شوند -

ما هم اطلاعات خودمان را از وزارت مالیه خواسته ایم و البتة آقایان تصدیق میفرمایند که وقتی میفرمایند قانون مالیاتی بنویسند باید فوق العاده درش وقت شود

باید از روی احصایها و ارقام صحیحی باشد و باین مناسبت تا بحال طول کشیده است.

هر بنده این بود که کمیسیون همان نظری را که همه آقایان دارند داد و چولسلات خودش را هم ادامه داده است ولی موضوع چون فوق العاده مهم است

بنا بر این تا چار شده است زیاد تر صرف وقت نماید و امیدواریم عقرب بگذرد و راپرت آن تقدیم شود.

رئیس - لایحه قانون عوارض بلدی مطرح است - در ماده اول مذاکرات شد و مذاکرات را آقایان کافی دانستند حالا باید پیشنهادت قرائت شود - پیش نهاد شاهزاده شیخ الرئیس.

(اینطور قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم کندم و جو و آرد از عوارض بلدی معاف باشد.

رئیس - شاهزاده شیخ الرئیس (اجازه)

محمد هاشم میرزا شیخ الرئیس - اولاً خیلی مایل بودم که آقایان مخالفین موافقین که راجع باین قانون اظهاراتی فرمودند از روی تحقیق و ارقام صحیح میفرمودند که فرضاً پنج هزار تومان - یا فلان قدر تعیین کنند و نتوانستیم یک رقم قطعی پیدا کنیم.

علی ای حال این قسمت را باید اشاره کنم که آقای مخبر و سایر آقایان اعتراض نکنند.

یک مطالبی هست که عقیده سیاسی است و یازده سال بیست سال بیست سال بعد نباید تغییر کند.

اینست که عرض میکنم هر کس با بودن هر دولت و در هر مجلس که باشد باید عقیده خودش را اظهار کند.

و این اظهار عقیده مربوط بموافقت یا مخالفت با یک دولتی نیست.

اگر یک کسی فرضاً یازده سال عقیده اش این باشد که مالیات از ارزاق صوملی نباید گرفت فرق نمی کند در هر موقع هر دولتی هم که باشد چه با آن دولت موافق و چه مخالف باید عقیده خودش را اظهار کند.

چون در سایر نقاط دولتها از بین احزاب تشکیل می شوند ولی در مملکت ما یکدقتیانی بیش آمده است که افراد اکثریت عقایدشان مخالف است.

ولی اصولاً عقیده ما به الاشتراک آنها حفظ دولت است حالاهم این عرایض من از نقطه نظر موافقت با مخالفت با دولت نیست.

بنده خیلی خوشترم که در این دوره عوارض بلدی بمجلس آمده است که قانونی برایش بگذرد.

زیرا مدتهاست ما میتوانیم خوب است این قوانین بمجلس بیاید و اینکه آقای مخبر فرمودند حالا که آمده است چرا در گذراندنش اهمال میکنید - عرض می کنم البته باید در اقسام عوارض در دست صحبت بشود تا ببینیم کدام بهتر کدام لازم تر است.

علی ای حال چون بنده مخالف کبر کندم و جو و آرد عوارض گناخته شود این است که عرض می کنم

چون اینها ارزاق صوملی است و طرف احتیاج تمام افرادی باشد باید از عوارض بلدی معاف باشند و مخصوصاً صوامی بنیم که دولت در ماه قریب صد هزار تومان برای ارزاقی نان خرج اداره ارزاق میکند در صورتیکه این کار را برای آسایش مردم میکنند.

خوب است کندم و جو و آرد را از عوارض بلدی معاف بداریم.

بقیه عرایض خود را در موقع خودش عرض میرسانم ولی این قسمت را خوب است یا آقای مخبر قبل کنند و اگر قبول فرمودند تقاضا می کنم آقایان موافقت بفرمایند که کندم و جو از عوارض بلدی معاف باشند.

مخبر - بنده در تمام مذاکرات من در این موقع و در هر موقع دیگر تصور نمی کنم کسی گفته باشم شما که با دولت موافقتی چرا بالایحه دولت مخالفت می کنید یا اینکه از نقطه نظر مخالفت با دولت فلان اظهار را می کنید.

بنده از لایحه و از نظر کمیسیون دفاع می کنم

و هیچ وقت در ضمن مذاکرات خود اظهار نکرده ام که فلان نظر مخالف یا موافق با دولت است راجع به مالیات بر ارزاق که فرمودند -

گویا مختصر فرقش باشد بین مالیات صوملی بر ارزاق و یک عوارضی که از یک قسمت از ارزاق در موقع ورود بشهر گرفته می شود.

در هر صورت همانطور که در روز آقای آقا سید یعقوب هم فرمودند کم و بیش در همه جا معمول است.

منتهی از بعضی چیزها می گیرند و از بعضی چیزها نمی گیرند و برای این است که بلدیهای محل یک مغزاجی دارند و باید از یک معلهائی یک عایداتی داشته باشند - اما راجع به قسمت کندم و جو و آرد در پرور یعنی در جلسه گذشته بنده عرض کردم وقتی که ما در این لایحه در کمیسیون وقت میگردیم دیدیم وزارت مالیه چون اداره ارزاق در دست خودش میباشد این قسمت را صورت نداده بودند و بالاییه هواید اداره ارزاق زیاد تربیث.

ولی وقتی ما وقت سکردیم دیدیم با گرفتن این عوارض در ارزاق صوملی قانونی پیدا نمیشود.

خواهد بود و چون دیدیم از نقطه نظر
ارزاق عمومی تفاوتی نمی کند و در حال
احاطه ارزاق گندم را بهمان قبضه کمترین
کرده است خواهد فروخت و اگر فرضاً
باری دوقران هم بدهند در قیمت آن تفاوتی
نمیکنند و از آن طرف هفتاد هزار تومانی که
از این راه عاید می شود صرف مخارج
شهری و قرض می شود باین جهت کمیسیون
این قسمت را لازم دانست و قطع نظر از
اینکه بنده خود نمیتوانم حذف این قسمت
را قبول کنم از طرف کمیسیون هم نمیتوانم
بپذیرم دیگر بسته است بنظر آقایان
نمایندگان

رئیس - گویا اشتباه شده است باید
باین اقدام يك رای بگیریم و در هر
يك از آنها آقایان پیش نهادی دارند
آن پیشنهاد رای می گیریم
اگر قابل توجه شد می رود بکمیسیون.
قسمت اول نخود سفید و سیاه - ایه -
باقلا حبس - ماش - لوبیا - سنکناک - کلردانه
و غیره - باری دوقران - کسی پیشنهادی
ندارد؟

پیشنهاد آقای محمد ولی میرزا راجع
به اینها است -
محمد ولی میرزا يك قسمت راجع
رئیس - با این ترتیب گمان نمیکنم
بتوانیم رای بگیریم قرائت می شود.
(شرح ذیل قرائت شد)
بنده در ماده ۱ اصلاحات ذیل را
پیشنهاد میدارم -
اجتناب ذیل از تازیه هر گونه عوارض
مخالف خواهند بود -
غله - سبزیجات خوردنی - حبوبات -
صیفی و میوه - جات برنج کرده - مویز -
شاه بلوط - بر اجناس ذیل علاوه بر اقلام
پیشنهادی کمیسیون اخذ عوارض خواهد
شد -

آلبو و خرمانتیا کو واقفان و توتوهای
داخله - باستانی توتون چیق - توتوهای
خارجی و سیگارهای پیچیده و سیگارهای
پرکی -
جای - کاکا - قهوه - شوکولات -
اقسام ماکولات که در قوطی و جعبه ها
از خارج وارد میشود -
از کلیه منسوجات ابریشمی و عطریات
رئیس - پیشنهادی که راجع بقتت
اول داده اید معایت است توضیح
میدهم -
محمد ولی میرزا - بنده توضیحات
کافی داده ام محتاج بنگران نیست همین قدر
تقاضا می کنم چون پیشنهاد بنده منقسم
بدو قسمت است
يك قسمت آن که معایت از عوارض
اگر در این قسمت رای گرفته شود

نظریه آقای شیخ الرئیس - هم محفوظ
خواهد ماند - و این قسمت را که بنده
پیشنهاد کرده ام از عوارض معاف باشد
برای جبران عوارض آن قسمت بعد را گذرد
پیشنهاد کمیسیون نیست پیشنهاد کرده ام
که يك عوارض با آنها تعلق بگیرد -
رئیس - عقیده کمیسیون چیست؟
معتبر عقیده کمیسیون همان بود که
عرض کردم -
در قسمت ارزاق تفاوتی پیدا نخواهد
شد - و مطمئن باشید اگر فرضاً باری
دوقران از حدس گرفته شود
فغان فقیر که پنج سیر عس می خواهد بفرود
هیچ تفاوتی در قیمتش پیدا نمی شود ولی
اگر عوارض معاف باشد يك ضرری ببلدیه
می خورد -
رئیس - رای میگیریم پیشنهاد آقای
محمد ولی میرزا یعنی در قسمت اول آن که
معایت از ادای عوارض است
آقایانی که قابل توجه میدانند قیام
فرمایند -
(عده قلیلی قیام نمودند)
رئیس - قابل توجه نشد -
رای میگیریم بقتت اول پیشنهاد
کمیسیون بیاری دوقران
آقایانی که قابل توجه می دانند
قیام فرمایند -
(عده قلیلی قیام نمودند)
رئیس - قابل توجه نشد -
قسمت دوم اقسام برنج باری سه نفران -
پیشنهاد آقای روحی قرائت میشود -
(شرح ذیل خوانده شد)
مقام ریاست معتمد مجلس شورای ملی -
بنده پیشنهاد میکنم که مالیات بر ارزاق
عمومی از قبیل برنج و نخود و گندم و غیره
الغای شده و در مقابل بر اراضی مسکونی
شهر طهران تا هزار دویست ذرع معاف و
هر آنچه بیش از ۱۲۰۰ ذرع است از قرار
زرعی یکشاهی در سال اقساطاً جهت مصارف
بلدی مالیات گرفته شود -
رئیس - در قسمت اول یعنی راجع بمعایت
باید مذاکره فرمایند -
روحی - معتمد می دارم
رئیس - پس میگیرید؟
روحی - بلی -
حاج میرزا عبدالوهاب - در شور
اول که نباید رای گرفت -
رئیس - رای میگیریم بقتت دوم -
اقسام برنج باری سه نفران -
شیروانی - بنده پیشنهاد دارم -
رئیس - آقای شریعت زاده نسبت به
قسمت اول پیشنهاد کرده اند باری سی شاهی
گرفته شود -
بعضی از نمایندگان - رد شد -
رئیس - دو قران رد شد - آقای
شریعت زاده -
(اجازه)

ولی بالاخره خودم را قانع نمیکنم
باینکه نظر آقایان نمایندگان محترم این
بوده است که این مقدار قابل تصویب نیست
بدین لحاظ کمتر از این مقدار کسی شاهی
باشد پیشنهاد کردم که با نظر نمایندگان
محترم هم موافقت حاصل کند -
والیه تصدیق خواهند فرمود با
انتظاراتی که ما از مؤسسات بلدی داریم و
میخواهیم این مؤسسات اداره شود
باید تصدیق کنیم عایداتی هم برای
مخارج این مؤسسات لازم است و بنا بر این
امید و از آقایان با پیشنهاد بنده موافقت
فرمایند -
رئیس - بنده گمان میکنم با اصلاحات
باید قیلاری گرفت
بعد از اینکه از طرف کمیسیون پیشنهاد
شده رای گرفتیم مشکل میدانم باین مطلب
بشود رای گرفت
(بعضی از نمایندگان - صحیح است)
نسبت به برنج آقای شیروانی پیشنهاد کرده اند
دوقران گرفته شود -
آقای شیروانی -
(اجازه)
شیروانی - عرض کنم بنده مستمدم که
اگر یکی یکی بخواهیم رای بگیریم مال
موقی است که پیشنهادها و اصلاحات تمام
خوانده شود و بعد نسبت به هر يك جدا گانه
رای بگیریم برای اینکه بنده در همین حال
که به ارزاق عمومی مایل نیستم مالیات وضع
شود و در يك قلهای دیگر چنانچه ملاحظه
میفروماید يك مالیاتهای
سنگینی را پیش نهاد کرده ام معذرت نسبت
به این ارقام نمی دانم چه طور رای بدهم
زیرا الان مجلس رای میدهد بحدف
هفتاد هزار تومان مالیات آن وقت ما چگونه
میتوانیم بنده مان را اداره کنیم؟
بنده عقیده ام این است که قیلاری در مقابل
آن باید يك مالیاتی را بپردازد که بتواند
از آن محل این کسر را جبران کند
والا اگر قیلا معنی معین نشود بنده چون
می بینم معنی دیگر باقی نمیاند از این
جهت مجبورم بهی شاهی رای بدهم
و لایحه عقیده ندارم
بنا بر این مستمدم پیشنهادات قیلا
خوانده شود و هر کدام قابل توجه شمی
دو دیکم کمیسیون و در کمیسیون هم يك

دقت هائی درش میشود
چون حالا که آقای ممبر بهیج وجه
حاضر نیستند پیش نهادی را قبول نکنند
که در کمیسیون تحت مطالعه و دقت گذاشته
شود -
این است که بنده عقیده دارم کلیه
پیشنهادات قرائت شود و هر کدام قابل
توجه شد برود بکمیسیون و کمیسیون
مجدداً يك زایرت جدیدی تدوین نموده
به مجلس بیارند والا اگر به این ترتیب
نخواهیم رای بدهیم ممکن است به يك قسمت
های آقایان رای ندهند -
علاوه مالیات هم باید طوری باشد که
بتوان يك اشخاص تحصیل کرد و از آن
طرف هم بلدیه نخواهد این است که بنده
استدعا میکنم پیش نهاد بنده از اول تا
آخرش خوانده شود و اگر قابل توجه شد
برود بکمیسیون -
رئیس این مطابق نظامنامه نیست ممکن
بود قیلا پیش نهاد کنید ناطب و توزیع شود
حالا اگر بنا شود تمام پیش نهادها خوانده
شود تقریباً يك ساعت ونیم وقت مجلس
صرف می شود -
(بعضی از نمایندگان - صحیح است)
يك پیش نهاد دیگری هم شده است
راجح برنج که پنج قران گرفته شود و باید
شیروانی - بنده هم این پیش نهاد را قبول
می کنم -
رئیس - آقای آقا شیخ جلال -
(اجازه)
آقا شیخ جلال - این پیش نهاد بنده
روی همین اصلی است که آقای شیروانی
اظهار نمودند -
از يك طرف اداره کردن بلدیه است
و از طرف دیگر معایت ارزاق عمومی -
در طهران برنج جزو ارزاق عمومی
نیست و صد پنج از مردم برنج نمی خورند
بنا بر این بنده پیش نهاد کردم که از رای
جبران معایت ارزاق عمومی سه قران
اضافه شود
رئیس - پیش نهاد دیگری از طرف
آقای اشکر رسیده است که برنج کرده معاف
و از سایر اقسام برنج باری پنج قران گرفته
شو و این یکی مقدم است
آقای اشکر
(اجازه)
اشکر - بنده بموجب همان نظری
که آقای آقا شیخ جلال توضیح دادند
توضیح دیگری نمیدهم ولی چون برنج
کرده مخصوصاً بصرف قرا میرسد از
این جهت پیشنهاد کردم که معاف باشد و
نسبت سایر اقسام تعلق بگیرد
معتبر - باز بنده مجبورم باین پیشنهاد
مخالفت نکنم این مخالفت هم از نقطه نظر
لجاجت نیست که بعضی از آقایان میفرمایند
چرا ممبر قبول نمیکنند -

مخبر مجبور است همیشه نظر کمیسیون
را ملاحظه کند -
اگر ما بخواهیم داخل در این جزئیات
شویم و اقسام برنج را از يك دیگر تفکیک
کنیم و به بینم کدام قسمتش را چه طبقه
مصرف میکنند و کدام قسمتش را نمی کنند
این ترتیب زحمت فوق العاده تولید میکنند
و برای تشخیص اقسام برنج با سستی مفتشینی
و مأمورین مثل دستگاه گمرک تهیه کنیم و
این عملی نیست بنا بر این بنده استدعا
میکنم از آقایان که این قسمت هارا در نظر
بگیرند و تصدیق کنند و مطمئن باشند که
هیچ تفاوتی هم در قیمت برای قرا نخواهد
کرد و آن اشخاصی که عادت داشته اند
اجناس را بیک قیمت معینی بفرشند بهمان
قیمت خواهند فروخت و هیچ فرقی نخواهد
کرد -
گمان میکنم آقایان باینک نظر
توجه رسمی باینکه کاری از مجلس بگذرد
باین مسئله توجه نمی کنند و بنده از نقطه
نظر شخص خود اینطور تصور میکنم
که علت اینکه اوضاع مالیات های مملکتی
تایحال بمجلس نیامده است برای این است
که هر وقت يك لایحه مالیاتی بمجلس می آید
انقدر در اطرافش صحبت و مذاکره میشود
که یکی اصل موضوع از بین میرود تولید
يك نوع وحشتی هم میکنند که دیگر این
قبیل لویج را بمجلس نیارند و حالا این
همه اگر آقایان این پیشنهاد را میخواهند
قبول کنند بکنند ولی کمیسیون قبول
نمیکنند -
آقا شیخ جلال - بنده مستمدم میکنم
هادا السلطنه - بنده مال آقای آقا شیخ
جلال را قبول میکنم -
رئیس - پیشنهاد آقای اشکر مقدم
است آقایانیکه معایت برنج کرده ربازی
پنج قران سایر اقسام برنج را تصویب میکنند
قیام فرمایند
(عده قلیلی قیام نمودند)
رئیس - تصویب نشد پیشنهاد آقای
آقا شیخ جلال را که آقای هادا السلطنه
کردند مفادش این است که از هر باری پنج
قران گرفته شود بدون معایت آقایانیکه قابل
توجهش میدانند قیام فرمایند
(عده قلیلی قیام نمودند)
رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای آقاسید
یعقوب برنج کرده باری سه قران صدی
چهار قران
آقاسید یعقوب اجازه میفرمایند
توضیح بدهم
رئیس - بفرمایند
آقا سید یعقوب - آقایان تصدیق دارند
که در رای ندادن به حبوبات يك منقضی
راجح بعواند بلدی شده بنده یقین دارم
که آقایان کاملاً متوجه با اصلاحات هستند و
میل دارند که بلدیه از این بیشتر توسعه
پیدا کند ولی آیا باید این نقصان را از يك

مجلسی جبران کرد یا نه؟
آقایان پیشنهاد میفرمایند که يك
مالیات دیگری وضع کنند ولی فعلاً بنده
پیش نهاد کردم که از برنج کرده سه قران
و از صدی چهار قران گرفته شود که
بتوانیم بدینوسیله جبران آن کسر را بکنیم
و گمان میکنم يك نسبت عادلانه هم باشد
حالا بسته است بنظر آقایان
رئیس - رای میگیریم بقبایل توجه
بودنش -
آقای حاج میرزا عبدالوهاب
(اجازه)
حاج میرزا عبدالوهاب - همان ایرادی
را که آقای داور نسبت بشیر دادن اقسام
برنج کردند در این جا وارد است
چه فرق می کند نسبت برنج کرده
با سایر اقسام وقتی اختلاف داشت همان
اشکالاتی را که آقای داور فرمودند وارد
است -
آقا سید یعقوب - تمام راجع قران
پیشنهاد میکنم که ایراد آقام مرتفع
شود -
رئیس - رای میگیریم برنج باری
چهار قران اعم از کرده و سایر اقسام
آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند
(عده برخاستند)
رئیس - بلاتکلیف ماند
احترام الحکماء آقای سردار قاشر
هم حالا برخاستند
رئیس - مجدداً رای میگیریم آقایانی
که پیش نهاد آقای آقاسید یعقوب را قابل
توجه میدانند قیام فرمایند
(اکثر نمایندگان قیام نمودند)
رئیس - قابل توجه شد قسمت دوم بره
و بزو گوسفند زنده راسی بقران این
قسمت پیشنهاد ندارد
تدین - بنده پیش نهادی تقدیم
کرده ام
(پیش نهاد مزبور بترتیب ذیل خوانده
شد)
بنده پیش نهاد میکنم که جزء سوم
بطبق ذیل تصویب شود بره يك قران
بزی شاهی - گوسفند دوقران
رئیس - آقای تدین
(اجازه)
تدین - بنده تصور میکنم آقایان
توجه با بادی و نظیف و حفظ الصحه و سایر
لوازم بلدی دارند امارد موقع تهیه وسایل
يك احساساتی ظاهر میشود که نتیجه آن
احساسات این است که هیچ کدام از این
مؤهجات نباشد -
میرفرمانند حبوبات معاف باشد برنج
طور دیگر بشود آرد و جو و گندم از بین
برود بالاخره چه خواهد ماند ؟؟ يك شیر
بی سرودم واشکم -
آنوقت بلدیه منظم هم میخوانیم
کوچه های پاکیزه و چراغ برق هم میخوانیم

در این قسمت ها که آقایان احساسات رقیب
اظهاری می کنند بنده قطعاً عرض میکنم که
هیچ تأخیری در ترفی یا تنزل قیمت ارزاق
پیدا نخواهد شد -
برای اینکه اگر این عوارض هم گرفته
نشود صاحبان ارزاق دلالتی اقامه میکنند
که این مسئله در جنب آن دلائل مستهک
است -
مثلاً می پرسند چرا گندم خرواری
بیست تومان است میگویند سایر اجناس
رانگاه کینه چون آنها گران است باین جهت
گندم هم خرواری بیست تومان است در
موقع شور در کلیات که نشد بنده هر ایض
زاعرض کنم حالا می بینم در بره و بز و
گوسفند هیچ فرقی نگذاشته اند و بنده
مستمدم که باین سه باید فرق گذاشت زیرا
اینها کوچک و بزرگ دارد و از حیث قیمت
فرق میکنند بنده عرض میکنم همانطور
که پیش نهاد کرده ام بره و بزغاله را اگر
نمیخواهید معاف باشد بقران و بزرا چون
بزرگ تر است و زیادتر قیمت دارد سی شاهی
و همچنین گوسفند را -
آقایان ملاحظه کرده که غالباً گوسفند
های پر و رافت تومانی هشت تومانی قیمت دارد
در این صورت اشخاصی که این مبلغ را
میدهند اگر دو قران هم عوارض بدهند
ضرری با آنها وارد نمیشود -
رئیس - عقیده کمیسیون چیست؟
مخبر - و اگر گذار میکنم برای مجلس
مخالفتی هم ندارم
رئیس - رای گرفته میشود بقبایل توجه
بودن این پیش نهاد آقایانی که قابل توجهش
میدانند قیام فرمایند -
(اغلب قیام نمودند)
رئیس - قابل توجه شد مرغ و تخم مرغ
بازی دو قران - پیش نهاد آقای تدین قرائت
می شود -
(بعضیون ذیل خوانده شد)
پیشنهاد میکنم که جزء چهارم به
طبق ذیل تصویب شود -
مرغ باری سه نفران تخم مرغ باری
دوقران -
رئیس - پیش نهاد آقای شیروانی راجع
به چیست؟
شیروانی - راجع به همین قسمت است
رئیس - تخم مرغ و بوقلمون
شیروانی - بلی بوقلمون را فراموش
کردند بشویند -
رئیس - آقای تدین
(اجازه)
تدین - بعضی از آقایان بنظر می آید
اینطور تصور میکنند که مرغ باری نمی شود در
صورتیکه اینطور نیست سبدهای بزرگی
هست که در آنها ده یا زنده نامرغ و خروس
میگذارند و میآورند شهرو مقصود از بار
هانها است -
والادودانه مرغی که لای باد برنجی که

از مازندران میآورند میگذارند این دیگر
قابل نیست که چیزی از آن گرفته شود
بملاوه بار مرغ قیمتش گران تر است و
بالاخره بفقرا هم وصالت نمیدهد و همینطور
که بعضی از آقایان در جلسه سابق فرمودند
تنبه کوی شیرازی لو کس است بنده هم
عقددهم این است که مرغ هم لو کس است
باین جهت پیشنهاد کردم که مرغ باری سه
قران و تخم مرغ دوقران باشد
رئیس - پیشنهاد آقای تهرانی مقدم
است ایشان پیشنهاد کرده اند باری يك
تومان باشد - آقای تهرانی
(اجازه)
آقا شیخ محمد علی تهرانی -
اینکه بنده پیشنهاد کردم باری يك تومان
باشد فلسفه اش این است که مرغ اختصاص
دارد باغیان و تخم مرغ را هم غالباً باغیان
میخورند نه فقرا و ملا و بیچارگان تخم مرغ
داوی هزار و پانصد بلکه دو هزار تخم مرغ
است -
یک نفر از نمایندگان - اینطور نیست
باصدق است -
طهرانی - فرض کنید باصدها باشد
وقتی که يك تومان را بر باصدها تخم مرغ
تقسیم میکنید دیگر چیز قابل نیستود -
بملاوه فقرا در مومی که ناخوش می -
شوند با زحمت زیاد دوتا تخم مرغ می -
خورند -
ولی باغیان صبح که از خواب بلند
می شوند چهارتا تخم مرغ رسمی کشته این
جهت ندارند -
(خنده نمایندگان)
مرغ هم همینطور است فقرا و نیک مرغ
بخته را نمی بینند اگر بخواهند به بینند
باید بروند در دکانهای چلوئی بینند
والا خودشان مرغ و خروس نمیخورند و
قطر اختصاص دارد باغیان به مستحقین -
بنا بر این اگر يك تومان باشد ضرری
بفقرا نمی زند و از آن طرف هم بلدی اداره
می شود -
مخبر - بنده تصور میکنم مبالغه نباید
کرد و بالاخره اگر نباشد اشخاصی که
مرغ میخورند نتوانند بخرند کردن آن
دقیقی می افتد که این مرغ را می آورد به
شهر و بنده عقیده ام این است همانطور که
آقای تدین پیشنهاد کرده اند رای گرفته
شود این پیشنهادها اساساً با نظری که کمیسیون
دارد خیلی زیاد است
رئیس - آقایانی که پیش نهاد
آقای تهرانی را قابل توجه می دانند قیام
فرمایند
(عده قلیلی قیام نمودند)
رئیس - قابل توجه نشد
آقای شیروانی پیشنهاد کرده اند مرغ
باری پنجقران باشد -
آقای شیروانی
(اجازه)

شیر وانی - توضیحی ندارد بنده نه بان مبالغه خواستم پیشنهاد کنم و نه اینکه متاعر بلدی را کم کنم و بعلاوه بوقلمون و اهرام اضافه کردم

رئیس - عجلانای را می گیریم که مرغ و تنم مرغ باری پنجقران باشد (عده قبلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد پیشنهاد آقای تدین را آقای مخبر قبول کردند؟

مخبر - بله

رئیس - آقای ضیاء الواعظین پیشنهاد کرده اند مرغ و تنم مرغ باری یکقران باشد

ضیاء الواعظین - مقصود بنده از این پیشنهاد اینست که غالب مالیهائی که در ایران گرفته میشوند عادلانه نیست و باین جهت همیشه بر فقر تعمیل میشود در غالب این قسمتها که بنده ای ندادم فقط از همین نقطه نظر بود و اگر در این یکماده بنده می دیدم که مثلا نوشته بود مالیات بر مبلها که از آنها هم یک حق می گرفتند آنوقت بنده قائل می شدم ولی بنده می بینم که در اول لایحه نوشته شده است مالیات بر سر و مرغ و گوسفند و بز و غیره در صورتی که اگر از چیزهایی که واقعا از ضروریات زندگانی نباشد بنده مخالف نیستم و در مملکت هر چه بیشتر عوارض بر آنها وضع شود بهتر است

ولی آقایان باید بدانند که مرغ و تنم مرغ را آن پیرزنها به بعد در دهات برای زندگانی خود و بچه شان تهیه می کنند و با هزاران زحمت پنج تا مرغ تهیه کرده و برای فروش بشهر می آورند و با پول او می خواهد پنج ذرع پارچه ببرد و چون در واقع از او این مالیات گرفته می شود لذا بنده بجای دوقران یکقران پیشنهاد می کنم زیرا باین یکقران می تواند بکند پارچه برای بچه اش تهیه نماید و تصور می کنم هر قدر بر این قسمتها کمتر تحمیل شود بر آبادی مملکت افزوده خواهد شد

رئیس - رأی می گیریم پیشنهاد آقای ضیاء الواعظین

آقایانی که قابل توجه می دانند قیام فرمایند (ممدودی قیام کردند)

رئیس - قابل توجه شد پیشنهاد آقای مقوم الملک چه چیز است؟

مقوم الملک - بنده پیشنهاد کرده ام که از هر باری دوقران گرفته شود و ضمنا تعداد کردها را چهارم تنظیم کنند چون

رئیس - این چیز دیگری است بعد رأی می گیریم

آقای احتشام الحکماء پیشنهاد کرده اند که از هر دانه مرغ صدینار گرفته شود

آقای احتشام الحکماء (اجازه)

احتشام الحکماء - مرغ و خروس را چون دربار می گذارند و می آورند و معلوم نیست چقدر است اسباب زحمت می شود از این جهت بنده پیشنهاد کردم از هر مرغی صدینار گرفته شود

رئیس - رأی می گیریم باین پیشنهاد آقایانی که قابل توجه می دانند قیام فرمایند (جمع کثیری قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد رأی می گیریم بنهم مرغ باری دوقران آقایانی که قابل توجه می دانند قیام فرمایند (عده زیادی برخاستند)

رئیس - قابل توجه شد بوقلمون هم اضافه شده است پیشنهاد آقای تدین (بدین ترتیب خوانده شد)

بنده پیشنهاد می کنم که از هر عدد بوقلمون که وارد شهر نمایند عددی پنجشاهی اخذ شود

رئیس - پیش نهاد شاهزاده محمد ولی میرزا

محمدولی میرزا - بنده در یک قسمت با پیش نهاد اخیری که رأی گرفته و قابل توجه شد موافق بودم و رأی هم دادم از این جهت آن قسمت را استرداد می کنم و در قسمت راجع به بوقلمون هم با پیش نهاد آقای تدین موافقم

رئیس - (خطاب به آقای تدین) بفرمائید

تدین - محتاج توضیح زیادی نیست هم بوقلمون هم بوقلمون خورحالشان معلوم است

رئیس - (خطاب به آقای شیروانی) پیشنهادی دارید؟

شیر وانی - بله پیش نهاد کرده ام که از هر عدد بوقلمون دهسایر اقسام خشکه بار باری پنجقران

رئیس - رأی می گیریم به دانه های دهشاهی

مخبر - بنده ده شاهی را قبول می کنم

رئیس - رأی می گیریم به بوقلمون دانه دهشاهی این رأی قطعی است

آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند (جمع کثیری قیام کردند)

رئیس - تصویب شد اجازه می فرمائید تنفس داده شود؟ ضمنا باید این پیشنهاد را هم تنظیم کنند چون منشوش است

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از دقیقه ای مجدداً تشکیل

گردد) **رئیس** - پیشنهاد آقای اخگر خروس قطعه یکشاهی **اخگر** - بنده با پیش نهاد آقای احتشام الحکماء موافقم

رئیس - پیشنهاد شاهزاده محمد ولی میرزا: غازومرغابی دانه صدینار **محمدولی میرزا** - بنده با پیش نهاد آقای تدین موافقم

رئیس - پیش نهاد کبیسون ماهی باری پنجقران **پیش نهاد آقای شیروانی** (اجازه)

شیر وانی - ماهی حالت معلومست ماهی خورده البته یک اشخاصی هستند که می توانند بجای پنجقران باری یکتومان بدهند از این جهت باری یکتومان پیش نهاد کردم

رئیس - رأی می گیریم بقبول توجه بودن این پیش نهاد آقایانی که قابل توجه می دانند قیام فرمایند (چند نفری قیام کردند)

رئیس - قابل توجه شد رأی می گیریم پیش نهاد کبیسون باری پنجقران آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند (اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد قسمت ششم خشکه بار از قبیل بادام - پسته - کشمش سبز و غیره پیش نهاد آقای شریعت زاده (شرح ذیل قرائت شد)

بنده پیش نهاد می کنم قسمت ششم (۱) پسته ذیل تجزیه و بر هر یک عوارضی که ذیلا معین می شود برقرار گردد بادام - پسته - قیسی - فندق و کشمش سبز باری هشتقران و سوسا را اقسام خشکه بار باری پنجقران

رئیس - پیش نهاد آقای مشیر معظم (باین مضمون قرائت شد)

در قسمت ششم بنده پیشنهاد می کنم بادام و پسته و کشمش سبز باری یکتومان و **رئیس** - این موافق است با پیش نهاد آقای هرمزی

هرمزی - بله **رئیس** - (خطاب با آقای مشیر معظم) بفرمائید

مشیر معظم - توضیح مفصلی لازم نیست بجهت اینکه بادام و پسته و کشمش سبز طرف احتیاج عموم نیست و پسته یکمن بیست و پنجقران است و پسته و به همان تناسب هم مالیاتش باید اضافه شود ولی کشمش معمولی و سوسا طرف احتیاج عموم

در برای فقراء و ضعیفان است از این جهت بنده پیش نهاد کردم باری پنجقران اخذ شود **رئیس** - آقایانی که این پیش نهاد را قابل توجه می دانند قیام فرمایند (ممدودی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد آقای آقاسید یعقوب (اجازه)

عبادتی دارم **رئیس** - راجع بکلمه (غیره) **آقاسید یعقوب** - بله **رئیس** - هنوز موش نرسیده آقای شریعت زاده (اجازه)

شریعت زاده - دلایل پیش نهاد بنده در ضمن توضیحات بعضی از نمایندگان محترم بعرض مجلس رسیده است و لازم است عرض کنم خشکه بارها تفاوت دارد و البته آن ها که زیاد تر قیمت دارند باید بیشتر از همه عوارض بلدی بر آن بنده بعلاوه بعضی اقسام خشکه بار هم ذکر کردم در این پیش نهاد رعایت آن را کرده ام و در ضمن اسم سایر اقسام خشکه بار را هم ذکر کرده ام و دیگر توضیحی لازم نمی دانم

رئیس - رأی می گیریم بقبول توجه بودن این پیشنهاد آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند (چند نفری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ضمنا پیش نهاد آقای هرمزی هم رد شد

هرمزی - بله **رئیس** - رأی گرفته می شود پیش نهاد کبیسون

پیش نهاد شده است لفظ (غیره) حذف شود آقای آقاسید یعقوب (اجازه)

آقاسید یعقوب - بنده می خواهم عرض کنم که اساسا در قانون نباید یک عبارات موهومی باشد زیرا اسباب زحمت برای دهنندگان و گیرندگان مالیات خواهد شد و عقیده دارم که عبارات توضیح و تصریح شود تا اسباب زحمت فراهم نشود

مخبر - بنده با اینکه کلمه (غیره) برداشته شود مغالفتی ندارم چون کلمه (از قبیل) هست ولی اگر مقصود از حذف (غیره) این طور تعبیر شود که فقط خشکه بار پسته و بادام و کشمش اطلاق شود آنوقت مخالف خواهم بود بجهت این که خشکه بار انواع دیگری را هم شامل است و چون ما نمی توانیم یک صورت پنجاه نامی را در این جا بنویسیم از این جهت نوع جنس را در این جا می نویسم که خشکه بار است و گفتیم از این قبیل حالاباین تعبیر اگر (غیره) برداشته شود مغالفتی ندارم **تدین** - بنده می خواهم پیش نهاد کنم

که بجای کلمه (غیره) نوشته شود سایر اقسام خشکه بار این عبارت واضح تر است **رئیس** - (خطاب به مخبر) چه می فرمائید؟

مخبر - بنده تصور می کنم در صورتی که کلمه از قبیل هست لفظ (غیره) را می توان برداشت و محتاج باضانه سایر اقسام هم نیست

رئیس - راجع به پیش نهاد آقای اخگر چه می فرمائید؟

مخبر - وا گذار می کنم بر ای مجلس **رئیس** - بنده یک پیش نهادی کرده ام **رئیس** - این طور نمی شود رأی گرفت پیش نهاد معافیت کرده ام در واقع پیشنهاد حلف ولی اگر بخواهد توضیح بدهد ممکن است

شریعت زاده - وقتی که نمی شود رأی گرفت بنده چه توضیحی بدهم؟

رئیس - پیش نهاد کرده ام از مالیات معاف باشد و این پیش نهاد حذف است در ضمن رأی گرفتن بدست می آید

پیش نهاد آقای زعیم قرائت می شود (شرح ذیل قرائت شد)

بنده پیش نهاد می کنم که مطلق خشکه بار از عوارض معاف باشد

رئیس - توضیح بدهید ولی نمی شود رأی گرفت

زعیم - چون توضیح این مطلب در مسئله رأی خیر کبیسون مدخلت خواهد داشت این است که استدعا می کنم در این توضیح که بنده عرض می کنم آقایان دقت فرمایند بنده هیچ داخل این قسمت نمی شوم که سنک فقراء و ضعیفان را بسینه بزنم و هیچ وقت معتقد نبودم که بر تجملات یا چیزهایی که تصور تجمل مبرود مالیات سنگینی وضع کرد برای این که مفید بعال فقرا نمی بینم

مثلا پنج را ملاحظه بفرمائید اگر گران شود در اثر تجارت است اگر حاصل پنج اتانفا بکسال خوب نباشد گران می شود همین طور در قسمت جو اگر برای مکاری گران باشد حمل و نقل گران میشود و بعقیده بنده اگر دوقران یا چهارقران بر روی حیوانات یا پنج یا از قبیل اینها افزوده شود تنبیری در حال فقر ایجاد خواهد شد و اگر هم گرفته نشود آنها را واجب الحج خواهد کرد

ولی در قسمتی که گفته میشود راجع به بلدی که باید ابدیات داشته باشیم این را بنده در اول که مخالفت کردم عرض کردم نظرها راجع بلدی و دولت نیست بلکه مخالفت ما راجع بطرز وصول و این ترتیب مالیات گرفتن است که اسباب زحمت برای مردم و مأمورین وصول می شود و بالاخره چیزی هم مایبند میشود

رئیس - جایش اینجا نیست توضیح

راجلو ببیند از آن راجع بخشکه بار هم که پیشنهاد کردم مطلقا معاف باشد برای این است که خشکه بار مال التجاره است

یکنفر از نمایندگان - ماده دوم را بخوانید

زعیم - ماده دوم را هم خوانده ام می نویسد آنچه بار که مقصدش طهران است این مالیات را باید بدهد ولی وقتی که مال جای دیگر باشد از این عوارض معاف است این را بنده خوانده ام

ولی آقایانی که در تجارت دست دارند معامله کنند که بارهایی مثلا از جنوب حمل میشود یکی از محل های خشکه بار کاشان و بزد و اصفهان است که بطهران می آید و بطرف روسیه میرود

اینها با اسم تجار طهران حمل میشود بعد تا جهرم منتقل میکنند بمکاری رشت و ازلی و تشخیص این موضوع که آیا این پسته یا بادام برای طهران است یا جای دیگری مشکل بنظر می آید و هیچ وقت آن مکاری که در دروازه می آورند نینداند برای کجا است

اوقفا با درس یکی از تجار طهران که بوسيله او حمل شده است و این امرات مال اوست می آورد و بعلاوه مصرف خود خشکبار که پسته و بادام و این قبیل اجناس است در داخل طهران این قدرها زیاد نیست که یک منابع کلی از این باری پنجقران تصور شود عاید بلدی میشود

ولی یک زحمت فور العلهه برای آن ناچری که با اسم او این بار حمل شده خواهد داشت و چون نشود تشخیص داد که این بار یکبار حمل میشود برای تهران است یا جای دیگر از این جهت بنده پیشنهاد کردم که خشکه بار از عوارض بلدی معاف باشد منتهی در قسمت های دیگر خود بنده هم پیشنهاد میکنم که چیزی اضافه شود تا جبران این معافیت خشکه بار را عاید بشود هم خیلی جزئی است بکنند

رئیس - رأی گرفته میشود پیشنهاد کبیسون خشکه بار از قبیل کشمش و بادام و پسته باری پنجقران آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد خروزه و به اصفهان و گلایه نظنن باری پنجقران آقای آقاسید حسن کاشانی - معاف است

به و خروزه اصفهان و گلایه نظنن هم زرموجات هستند و علت ندارد و بوجهات طهران معاف باشد ولی از این ها عوارض گرفته شود

اگر بار عوارض اخذ شود از دو بوجه جات طهران هم البته باید گرفته شود

رئیس - پیشنهاد آقای مشیر معظم (بترتیب ذیل قرائت شد)

قسمت هفتم بترتیب ذیل اصلاح شود خروزه و به اصفهانی و گلایه نظنن ششقران

رئیس - بفرمائید **مشیر معظم** - آقایان همه میدانند خروزه اصفهان در طهران یکمن هشتقران بفرش میرسد و کسبیکه یکمن هفت هشتقران بول میدهد یکمن صدینار هم می تواند اضافه بدهد و همچنین به گلایه نظنن

رئیس - رأی گرفته میشود بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانی که تصویب کنند قیام فرمایند

(عده قبلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد آقای آقا شریعت زاده که بترسعه نظنن بترین قوه الکتریسته زیاد می شود و بالاخره متوسطین و اغلب مردم از بترین استفاده می کنند و نفت هم طرف احتیاج تمام مردم است و بعلاوه برای آن نظری هم که آقایان دارند که وسائل فلاحتی را رایبند ازنده برای آنها هم مفید است از این جهت باید بدهد وسیله که باشد وسیله ارزانی نفت را فراهم نمود و چون این در واقع یک تحمیل مالیاتی است و ممکن است یک قدری اسباب گرانی نفت شود از این جهت بنده پیشنهاد کردم که هم نفت و هم بترین از دادن مالیات معاف باشد

بدهید بعد در موقع رأی تکلیفش معلوم میشود

مخبر - بنده می خواهم تذکر بدهم که اینها یک چیزهایی هستند که تصور نمی کنم آنقدر اهمیت داشته باشد لازم شود که معاف باشد

آقاسید حسن کاشانی - مخالفت بنده برای این است که بدون دلیل این عوارض را به میوه جات بستانند برای اینکه این جا نوشته است مال تهران معاف است

به و خروزه اصفهان و گلایه نظنن هم زرموجات هستند و علت ندارد و بوجهات طهران معاف باشد ولی از این ها عوارض گرفته شود

اگر بار عوارض اخذ شود از دو بوجه جات طهران هم البته باید گرفته شود

رئیس - پیشنهاد آقای مشیر معظم (بترتیب ذیل قرائت شد)

قسمت هفتم بترتیب ذیل اصلاح شود خروزه و به اصفهانی و گلایه نظنن ششقران

رئیس - بفرمائید **مشیر معظم** - آقایان همه میدانند خروزه اصفهان در طهران یکمن هشتقران بفرش میرسد و کسبیکه یکمن هفت هشتقران بول میدهد یکمن صدینار هم می تواند اضافه بدهد و همچنین به گلایه نظنن

رئیس - رأی گرفته میشود بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانی که تصویب کنند قیام فرمایند

(عده قبلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد رأی می گیریم به خروزه باری پنجقران آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند

آقاسید یعقوب - بله **رئیس** - توضیح هم میدهید **آقاسید یعقوب** - توضیح عرض کرده ام

رئیس - رأی می گیریم به خروزه باری پنجقران آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند

(اغلب قیام فرمودند)

رئیس - قابل توجه شد هفتم نفت باری سهقران دو پیشنهاد رسیده است یکی از آقای اخگر و دیگری از آقای آقا شیخ جلال آقای آقا شیخ جلال پیشنهاد میکنند معاف باشد

آقای اخگر هم یکقران پیشنهاد کرده اند (خطاب به آقا شیخ جلال) بفرمائید

آقا شیخ جلال - البته آقایان در نظر دارند که بترسعه نظنن بترین قوه الکتریسته زیاد می شود و بالاخره متوسطین و اغلب مردم از بترین استفاده می کنند و نفت هم طرف احتیاج تمام مردم است و بعلاوه برای آن نظری هم که آقایان دارند که وسائل فلاحتی را رایبند ازنده برای آنها هم مفید است از این جهت باید بدهد وسیله که باشد وسیله ارزانی نفت را فراهم نمود و چون این در واقع یک تحمیل مالیاتی است و ممکن است یک قدری اسباب گرانی نفت شود از این جهت بنده پیشنهاد کردم که هم نفت و هم بترین از دادن مالیات معاف باشد

(چند نفری قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد به اصفهان و گلایه نظنن باری پنجقران

ضیاء الواعظین - به اصفهان و گلایه نظنن را بنده پیشنهاد می کنم تفکیک شود

رئیس - به اصفهان باری پنجقران آقایانی که قابل توجه می دانند قیام فرمایند (جمع کثیری برخاستند)

رئیس - قابل توجه شد گلایه نظنن باری پنجقران آقایانی که قابل توجه می دانند قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد رأی می گیریم به خروزه آقای آقاسید یعقوب بفرمائید

آقاسید یعقوب - بله **رئیس** - توضیح هم میدهید **آقاسید یعقوب** - توضیح عرض کرده ام

رئیس - رأی می گیریم به خروزه باری پنجقران آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند

(اغلب قیام فرمودند)

رئیس - قابل توجه شد هفتم نفت باری سهقران دو پیشنهاد رسیده است یکی از آقای اخگر و دیگری از آقای آقا شیخ جلال آقای آقا شیخ جلال پیشنهاد میکنند معاف باشد

آقای اخگر هم یکقران پیشنهاد کرده اند (خطاب به آقا شیخ جلال) بفرمائید

آقا شیخ جلال - البته آقایان در نظر دارند که بترسعه نظنن بترین قوه الکتریسته زیاد می شود و بالاخره متوسطین و اغلب مردم از بترین استفاده می کنند و نفت هم طرف احتیاج تمام مردم است و بعلاوه برای آن نظری هم که آقایان دارند که وسائل فلاحتی را رایبند ازنده برای آنها هم مفید است از این جهت باید بدهد وسیله که باشد وسیله ارزانی نفت را فراهم نمود و چون این در واقع یک تحمیل مالیاتی است و ممکن است یک قدری اسباب گرانی نفت شود از این جهت بنده پیشنهاد کردم که هم نفت و هم بترین از دادن مالیات معاف باشد

رئیس - آقای داور (اجازه)
داور - بنده گمان میکنم این مسئله بجای خودش صحیح است ولی مجلس کاری دیگر هم دارد لایحه معافیت ماشین های صنعتی از حقوق گمرکی را بنده تقاضا می کنم جز معدستور شود.

رئیس - رای می گیریم این پیشنهاد آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند. (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. در درجه پنجم پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب حاج میرزا عبدالوهاب آقایانی که تصویب می کنند که جز معدستور باشد قیام فرمایند. (غالب نمایندگان برخاستند)

رئیس - تصویب شد. جلسه آینه روز ۲ شنبه ۱۳۰۳ دستور هم لایحه عوارض بلدی آقای تقی زاده.

(اجازه)

تقی زاده - بنده يك كلمه عرض داشتم راجع به مسئله قرارداد پستی و تلگرافی که برای روز ۳ شنبه تصویب نشده آیا اینکه در مجلس تصویب نشد مقصود این بود که در درجه دوم و سوم نباشد یا اینکه غیر در صورتی که این عهدنامه جاری است مقصود این است که مجلس می آید بنا بر این بنده تقاضا می کنم در درجه پنجم باشد مشروط صلاح میداند جزء دستور شود.

رئیس - بنده هیچوقت نمیتوانم کداده شبر برای این بود که روز مقصود برای این کار معین نشود تا مسائل جزئی دیگری که هست آنها بگذرد بعد در صورت باین مسئله هم میرا درم ۱۳۰۳ در درجه بعد خواهد بود.

بعضی از نمایندگان - صحیح است.

(مجلس يك ربع بعد از ظهر ختم شد)
رئیس مجلس شورای ملی - مؤتمن الملک

منشی علی اقبال الممالک
منشی مهناز السلطان
جلسه ۱۰۶
صورت مشروح مجلس یوم سه شنبه شانزدهم جلدی ۱۳۰۳ مطابق دهم جمادی الثانی ۱۳۴۴

مجلس دو ساعت قبلاً از ظهر ریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید صورت مجلس یوم یکشنبه ۱۴ جدی را آقای اقبال الممالک قرائت نمودند

رئیس - آقای افشار (اجازه)
افشار - بنده بمدای تصویب صورت مجلس عرض دارم
رئیس - آقای یاسانی (اجازه)
یاسانی - چندین ماه است که بنده دو

یاسانی - عرض بنده هم بمدای تصویب صورت جلسه است
رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب (اجازه)
حاج میرزا عبدالوهاب - بمدای تصویب صورت مجلس عرض دارم
رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)
آقا سید یعقوب - عرض بنده هم بمدای تصویب صورت جلسه است
رئیس - آقای شیروانی (اجازه)
شیروانی - بنده هم عرض مختصری دارم
رئیس - آقای طهرانی (اجازه)
آقا شیخ علی طهرانی - موافق نظامنامه و قانون اساسی با دستور حاضر و غایب در صورت مجلس نوشته شود.

در جلسه سابق و این جلسه صورت حاضر و غایب آقایان نمایندگان را بنده نشنیدم بخوانند

رئیس - گیسوئی موجود نیست که صورت حاضر و غایب را تنظیم کند مشروط کمیسیون تشکیل شود این باب رای می گیریم. دیگر ایرادی نیست؟ (گفتند: خیر)

رئیس - آقای افشار (اجازه)
افشار - از چندین قبل آقایان نمایندگان معترض برای اصلاح امر معارف ایالات و ولایات حدیث فوق العاده بخرج داده اند و آقایان تصدیق میفرمایند که مسئله صحیح معارف ولایات و ایالات بطوری خراب است که لازم بتشریح نیست همانطور که اگر يك نفر از اروپا بایران بیاید يك نفر مترجم لازم دارد بدینخانه و ضمیمات معارف آذربایجان هم طوریست که اگر يك نفر از طهران بخواهد با آذربایجان برود باید يك مترجم همراه داشته باشد

بنابر این برای حفظ حیثیات ایران و ایرانی بهترین وسیله که ممکن است فراهم آید وحدت زبانست و پس وما می بینیم که تاکنون از طرف ملت و دولت تصمی در این خصوص گرفته نشده و اهمیتی داده نشده است.

بنابر این يك جمعی از آقایان موافقت فرمودند و يك طریقی تهیه شده است راجع باین که يك عشر از کل عواید غیر خالص مملکتی را تصویب بدهند برای معارف و صهی کل مملکت و طرز تقسیم بعضی آنها معین شده با مراعات قسمت مرکز و ایالات و ولایات.

معترفاً تقدیم مقام ریاست می نمایم. (تسلیم نمودند)

رئیس - آقای یاسانی (اجازه)
یاسانی - چندین ماه است که بنده دو

سفره سؤال از وزارت داخله نمودم و حالا حضور آقای معاون.

رئیس - حالا موقع سؤالات نیست باشد برای بعد ایشان تشریف دارند

آقای حاج میرزا عبدالوهاب (اجازه)
حاج میرزا عبدالوهاب - جلسه پنجشنبه چهارم جعی بنده اینجا يك مرضی کردم راجع با قوامیرزا ابوطالب اسلامیه که از طرف مجلس بدولت تذکر داده شود از این قبیل حرکات جلوگیری کنند بعد ایشان شرحی بنده نوشته اند در صورتی که بنده برخلاف شرع و خلاف قانون عرض نکرده ام و بکنی در کاغذش فشار را منکر شده حال آنکه این کاغذ است که از طرف حکومت نظامی رسیده و دلالت می کند بر اینکه اورفته و بدون جهت مشغول حفر جاده در مملکت مردم شده است.

این است کاغذی که بنده نوشته ام نویسد.

در جواب مرقومه مورخه ۲۲ فوس زحمت میبندد.

رئیس - آقا این قبیل مسائل راجع به مجلس نیست

حاج میرزا عبدالوهاب - خواستم عرض کنم برای چه این کاغذ را بنده نوشته ام من که خلاف قانونی نکرده ام (همه نمایندگان صدای زنگ رئیس)

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)
آقا سید یعقوب - بنده عرض ندارم وارد دستور شوم
رئیس - آقای شیروانی (اجازه)
شیروانی - عرض ندارم
رئیس - دوفقره سؤال از وزارت داخله شده است یکی از طرف آقای تقی زاده و یکی از طرف آقای یاسانی.

سؤالشان را می کنند بنده وارد دستور می شوم.

تقی زاده - سؤال بنده از وزارت داخله راجع بحال معسومین و وضع معسومین است چون اطلاعاتی بنده رسیده بود که حال معسومین خوب نیست و يك قسمت را هم خود مشاهده کردم.

گفته می شود که اینها در زمستان لباس کافی ندارند و حتی بعضی اوقات شنیده میشود که لباسهای خودشان را هم از آنها می گیرند و نیز شنیده می شود که با آنها خیلی زحمت و زجر می دهند

حالا بنده بطور قطع نمی توانم بگویم یا در این اطلاعات صحیح است یا صحیح نیست.

ولی در هر حال مقصود بنده دادن تذکری

بود وزارت داخله که حقیقت حال و اوضاع معسومین را توضیح بدهند و بگویند که آیا این مطالب صحیح است یا نه.

اگر صحیح است و نظر ایشان راجع کرده است آیا اقدامی در اصلاح آنها فرموده یا خیر

در خانه هم می خواهم مرض گنبروتی که این سؤال را از وزارت داخله نمودم و فرستادم بمد ملتفت شدم که گویا در موقعی که من در ایران نبودم معنی سؤال تعبیر کرده است.

بن گفتند فلانی مگر از وزارت داخله ملالی دارید؟

دو صورتی که گمان می کنم سؤال يك استفساری است از حقیقت يك چیزی و موضوع ملال در بین نیست.

سؤال چیز است که غالباً موافقین دولت می کنند و مؤاخذه نیست.

(بعضی از نمایندگان صحیح است) و مقصود جلب توجه دولت است بیک مسئله اگر صحیح بود اقدامات می کنند و اگر صحیح نبود تکذیب می کنند ما هم معسومین می شویم.

ولی بدینخانه بنده خودم دو سه مرتبه وضیعت معسومین را دیدم که بسیار داسوز بود و باعث شد که بنده در این موقع سختی زمستان حال آنها را یادآوری کنم.

معاون وزارت داخله - همانطور که بیان فرمودند سؤال غالباً در مجلس موجب توضیح يك مسأله می شود که شاید قبلاً از بیان آن مسائل مطلب واضح نباشد و همیشه باشد وقتی سؤال آقای تقی زاده رسید بنده مقتنم شدم و يك توضیحات کافی راجع بوضع معسومین و ترتیب حال معسومین از اداره مربوطه اش که نظمی بود خواستم و مخصوصاً هم مراقب بودم که توضیحات کافی باشد

برای اینکه از ترتیب سؤال نماینده معترم اینطور استنباط کردم که میخواهند يك حقایقی را ملتفت شوند و يك ضمیماتی برایشان روشن نیست خوب درك بفرمایند این است که سؤال ایشان را قسمت قسمت قرائت می کنم و جوابش را هم در قسمت اول های خودش عرض میکنم در قسمت اول اول سؤال فرموده اند آیا نظر اولیای دولت متوجه اوضاعی که فعلاً در معسومین های طهران موجود است گردیده است یا خیر؟ نظر دولت کاملاً مطبوع به اوضاع معسومین و ترتیب معامله با معسومین بوده است و در جریان همین امسال چند دفعه موضوع اصلاحات امر معسومین ها و رفع نواقص آنها مورد توجه واقع شده است و يك اقداماتی هم که مقدر بوده است بعمل آمد.

البته يك نواقصی در امر مجلس ها است و آن نواقص بیشتر هستند بنیود اعتبارات کافی بوده است.

نظریه از اواخر سال گذشته چندین

فقره و ابورت وزارت داخله فرستاده است برای رفع همین نواقصی که در معسومین ها بوده است.

پیشنهاداتی هم کرده است. نواقصی که در معسومین ها هست البته مربوط است به جزئیات امور زندگی معسومین از حیث ترتیب لباس و غذا و محل و فرش و از این قبیل چیزها. فرد فرد اینها منظور نظر بوده و آنقدری که انتیارات بودجه امسال اجازه داده است در رفع آنها اقدام شده مثلاً با اینکه اعتبار کافی برای تهیه لباس و غیره نبوده است ولی وزارت جنگ از اسیب نظامیان سابق چهارصد دست فرستاده اند

برای اینکه در موقع زمستان بدرد معسومین بخورد و آنها را از سرما حفظ کنند

همین طور برای تهیه فرش و رختخواب و روپوش و غیره و همچنین در نظر گرفته شده بود برای اینکه محل معسومین ها جای خوبی نیست و مسکناً آن شرایطی را که باید دارا باشد دارا نیست يك محل مخصوصی در خارج شهر تهیه شود که از حیث هوا و نیکات صحی جامع شرایط باشد اینها البته در نظر هست و باید وسائلش فراهم شود و اقدام هم خواهد شد.

این از حیث نظریاتی که فعلاً راجع باصلاح امور معسومین ها در نظر است و يك قسمتش هم اقدام شده است.

جمله دوم سؤالشان می فرمایند آیا صحت دارد که رفتاری که در آن زندان با معسومین می شود که با این موافقت عدالت و انصاف نیست؟

عرض می شود رفتاری که با معسومین در زندانها می شود مطابق يك نظامنامه های است که برای معسومین ها مقرر است و مأمورینی که مراقب و حافظ معسومین هستند يك تکالیفی دارند و مطابق آن نظامنامه رفتار می کنند و بهر چه اجازه ندارند با معسومین بدرفتاری کنند

حتی استعمال يك کلمات خشنی هم نسبت با آنها نباید بشود و هر مأموری که بر خلاف این ترتیب رفتار نماید بوجوب همان نظامنامه ها تحت مؤاخذه و مجازات در می آید.

بنده از این حیث کاملاً می توانم اطمینان بدهم.

اما در باب جلب معسومین و ترتیب معامله با آنها موقعی که جلب می شوند به نظمی يك ترتیبی دارد.

وقتی که جلب شدند موافقت در محل صاحب منصب کشیک که يك توقیف گاه موقتی است يك تحقیقات مقدماتی از آنها می شود.

بعد از آنکه معلوم شد و از جریمه قرائن و شواهدی بدست آمد آنوقت تکلیفشان معلوم می شود و آن توقیف گاه اولی در واقع يك توقیف موقتی است و در آنجا هم

بهیچ وجه بد رفتاری با معسومین نمی شود پس از انبایت جرم بعداً کم می تواند راجع می شود.

قسمت سوم سؤالشان این است که آیا ممکن است دولت در باب این زندانها و عده معسومین و مدت توقیف آن ها در آنجا و عاقبت آنها اطلاعات کافی بجدس بدهد مخصوصاً آیا دولت مطلع است که لباس معسومین را از آنها سلب و غصب می کنند و در این سرمای زمستان آنها در زحمت هستند؟

قسمت لباس را که عرض کردم علاوه بر اینکه بهیچ وجه لباس از آن ها گرفته نمی شود حتی لباس هم اگر نداشته باشند با آنها داده می شود.

چنانچه امسال چهار صد دست لباس با آنها داده شد.

اما در باب توضیحی که راجع به ترتیب معسومین ها خواسته اند اگر چه خیلی مفصل است و يك قدری صرف وقت می کند ولی حتی المقدور مختصراً عرض می کنم که معسومین ها چهار قسمت هستند و هر کدام برای يك نوع از معسومین و مقصود است و يك نظامنامه هم دارند.

اول معسومین نریک است برای معسومین مهم و سابقین عده و اشخاصی که باید مفرداً حبس شوند.

برای اینکه اگر معسومین انفرادی باشد موضوع جرم آنها درست ممکن نمی شود تشخیص و تمییز کرد و این معسومین ها يك نظام نامه های مخصوصی دارد و در واقع معسومین انفرادی است و در موافق معینه برای آنها اقدام می برند.

و گردش میزند از برای اینکه هوا در زندانها می شود مطابق يك نظامنامه های است که برای معسومین ها مقرر است و مأمورینی که مراقب و حافظ معسومین هستند يك تکالیفی دارند و مطابق آن نظامنامه رفتار می کنند و بهر چه اجازه ندارند با معسومین بدرفتاری کنند

حتی استعمال يك کلمات خشنی هم نسبت با آنها نباید بشود و هر مأموری که بر خلاف این ترتیب رفتار نماید بوجوب همان نظامنامه ها تحت مؤاخذه و مجازات در می آید.

بنده از این حیث کاملاً می توانم اطمینان بدهم.

اما در باب جلب معسومین و ترتیب معامله با آنها موقعی که جلب می شوند به نظمی يك ترتیبی دارد.

وقتی که جلب شدند موافقت در محل صاحب منصب کشیک که يك توقیف گاه موقتی است يك تحقیقات مقدماتی از آنها می شود.

بعد از آنکه معلوم شد و از جریمه قرائن و شواهدی بدست آمد آنوقت تکلیفشان معلوم می شود و آن توقیف گاه اولی در واقع يك توقیف موقتی است و در آنجا هم

که لازماً نگاهداری آنها هست حتی المقدور فراهم است و چون در ضمن سؤال خودشان ذکر فرموده بودند که اشیا بی از آنها گرفته میشود و داده نمی شود. عرض کردم لباس که از آنها گرفته نمی شود حتی اگر نداشته باشند هم با آنها داده می شود.

فقط چیزهایی که از آنها گرفته می شود اشیا بی است که ممکن است بوسیله آنها فراریات انتحار کنند از آنها گرفته میشود و در دفتر مخصوص بانیره ثبت میشود و بعد از استخلاص با آنها عیناً داده می شود و بهیچ وجه چیزی از آنها گرفته نمی شود.

معسومین از نقطه نظر نظامنامه معسومین البته باید در تحت يك ترتیب معینی باشند که اگر از آن قواعد و نظامنامه تخلف نمایند محکوم به يك تنبیهاتی میشوند که آن تنبیهات هم جزئی است و زحمت بدنی نیست فقط آن هفته يك روز تعطیل از آنها گرفته می شود و از آن تعطیل محروم می مانند.

این يك تنبیهی است که ممکن است درباره آنها اعمال شود و الا جز بدنی و غیره نیست.

مریضخانه نظمی دارای وسایل است که نسبتاً کافی است از برای مرضی و از نقطه نظر رفع احتیاج کاملاً بدرد معسومین می خورد و برای اشخاصی که مبتلا بامراض سرریه هستند جاهای مخصوصی هست و کاملاً در آنجا هم مراعات امور و ترتیب صحی می شود که سرایت نکنند مرضی که با بقصدای نسبتاً مرتب دارند.

برای اشخاصی که مدت زیادی محکوم به حبس هستند و بایستی مدت زیادی در معسومین بمانند مسائل کاری از قبیل نساجی و خیاطی و غیره فراهم شده که کار می کنند و روزی مختصر مزدی هم می گیرند.

غذای معسومین هم البته در هر فصلی باقتضای همان فصل تهیه می شود.

مسلم است که بوجه آنقدر کافی نیست غذای عالی با آنها داده شود ولی حتی المقدور هم خوبی غذا و هم ترتیب صحی مراعات میشود.

معسومین که در نمره سه معسومین می شوند روز انقضای مدت حبسشان با ترتیب معینی مستخلص می شوند و ممکن نیست يك روز تاخیر بشود.

مطابق حکم محکمه از روز اول الی روز آخر در معسومین می مانند و روز آخر مستخلص می شوند

يك معسومین دیگری هم هست و آن معسومین نمره چهار است که متعلق بانسوان است.

آنها هم در تحت ترتیبات و وظایف معینی هستند و دستاران و مواظبین زن دارند و آژانهای پیرمرد مراقب این معسومین ها هستند.

از عده معسومین سؤال فرموده بودند

عرض می کنم که در برج تومس ۱۳۰۳ یعنی يكماه قبل عده معسومین مرد دوست و بنباه و نه نفر - زن هم بیست و پنج نفر و جمماً دوست و هشتاد و چهار نفر بوده است و این عده نسبت بعهده معسومین - نوات قبل خیلی کمتر است.

ترتیب جلب معسومین را سؤال فرموده بودند.

مختصراً عرض می کنم وقتی که جرمی واقع می شود و شخصی مظنون شد از طرف نظمی مفتشین برای تحقیق و تفتیش میروند و معین که آثار جرم از طرف مفتش مشاهده شد و آن شخص مظنون شد آن مظنون را جلب می کنند بوقیف گاه موقتی که عرض کردم (در اطلاع کشیک)

و در آنها از او تحقیقات می کنند و دوسه مرتب می کنند و علائم و شواهد جرم بقدر کافی در آن دوسه نوشته شده و دوسه احواله می شود بعد از در معسومین ها تکلیف معسومین معلوم می شود

هر طور محکمه رای داد و مدتی برای حبس معسومین معین کرد همانطور رفتار می شود.

این بود اجمالاً شرح وضعیات معسومین ها و ترتیب حال معسومین و چون نماینده معترم می خواستند تا يك اندازه بیشتر و مفصل تر اطلاع داشته باشند عرض کردم و در خانه هم عرض می کنم که مراعات نظمی در امور اداری خودش باندازه که وسایل هست نفسی ندارد مخصوصاً قسمت امور محاسباتی و بودجه اش نسبت بسابق خیلی بهتر است و بیشتر مراقب هستند.

در امور معسومین و معسومین هم اگر نواقصی هست با آنها توجه شده و رفع آن نواقص می شود و امیدوار هستم در سال آتی اگر اعتبارات بودجه اجازه بدهد زودتر و کاملتر این مقصود انجام داده شود

حائری زاده. مذاکرات کافی است وارد دستور شوم

رئیس - سؤال را که نمی شود منع کرد آقای یاسانی.

(اجازه)
یاسانی چون زود تر می خواهم وارد دستور شوم بدیهی است که سؤال بنده به طور خلاصه خواهد بود.

اولاً يك قسمت سؤال بنده راجع به بلدیهای ولایات است

چندین سال است بلدیهای در ولایات يك اشکال مخصوصی تشکیل می شود و هر نقطه ترتیب مخصوصی دارد.

در صورتی که قانون معینی دارد معلوم نیست بچه مناسب این قانون اجراء نشده یعنی چه مانی دو کار هست که قانون بلدی در بعضی ولایات اجراء نمی شود. در بعضی ولایات بطور تمیز اجراء شده و انجمن بلدی تشکیل داده اند در باره نقاط هم

کمیسیونهای مخصوصی درست کرده اند. بعضی جاها هم از طرف دولت مأموری معین شده است باسم رئیس بلدیہ و ابدأ ترتیب معینی ندارد و قانونش اجرائی شود. قدمت دیگر سؤاَل بنده دراجع بخرج و دخل بلدیہهای ولایات است از قراری که اطلاع یافته ام مغایری که در جمع آوری هوائت نواقط که مخصوص بلدیہ است می شود خیلی زیاد است و یک مبلغ قلیلی از آن پیلدیہ ها میرسد. مثلا در کرمانشاه اطلاع یافته ام صد هشتاد و پنج خرج وصول هوائت نواقط می شود و صد یا نود هشت بلدیہ می رسد.

تشکیل بدهد؟ و آیا مواظبتی برای این کار هست؟ بمقیده من اگر انجمن های ایالتی و ولایتی وجود داشت اینقدر شکایات بمركز نمی رسید و عریض در کمره سیون عریض مترکم نمی شد و شکایات در روز وزارت خاسته اجرایی نداشت و انجمن ها بموجب قانون نظر آنها سبب بدو اثر دولتی داشتند و شاید تمهیداتی که آنقدر حالا اتفاق می افتد از ناحیه مأمورین دولتی اتفاق نمی افتاد.

معاون وزارت داخله در موضوع ترتیبات بلدیہ که فرمودند. بلدیہ که فرمودند. این هشت راقام مقام انجمن قرارداد اند که در واقع همان کارها را بکنند و وقتی که قانون هم تجدید نظرش تمام شود و از مجلس بگذرد و یک دفعه اجرا بشود و این کار هم امیدواریم با توجه آقایان نمایندگان زودتر بشود.

معاون وزارت داخله در موضوع ترتیبات بلدیہ که فرمودند. بلدیہ که فرمودند. این هشت راقام مقام انجمن قرارداد اند که در واقع همان کارها را بکنند و وقتی که قانون هم تجدید نظرش تمام شود و از مجلس بگذرد و یک دفعه اجرا بشود و این کار هم امیدواریم با توجه آقایان نمایندگان زودتر بشود.

این چه ترتیبی است نمی دانم! او آن ترتیبی که متعین منظور نظرشان بوده که این عوائت نواقط صرف بلدیہ ها بشود نمی شود. در کاشان در یک برج سیصد تومان هائیدی نواقط بوده است دوست و شصت تومان خرج وصول آن شده فقط چهل تومان بلدیہ داده اند. از شاهرو در اخیر آئینده اطلاع داده اند درش ماه اول همدساله ۱۳۰۴ شش هزار تومان هائیدی نواقط شد از این مبلغ فقط شصت تومان بلدیہ داده اند مابقی خرج وصول شده است.

یک قانونی است که مواد زیادی دارد و از مجلس هم گذشته معذک هیچ مجری نیست. وظایف حکام بمقیده بنده خیلی مهم است و باید یک نظامات مدونی در دست آنها باشد که بتوانند مطابق آن رفتار کنند. اگر حکام وظایفشان معین بود.

معاون وزارت داخله اما راجع بعمل کرد فعلی هائیدات نواقط در شهرها که ذکر فرمودند فقط این قسمتش را می توانم جواب عرض کنم که یک نظارتی است از طرف مأمورین مالبه (اگر جزئیاتی داشته باشد البته خود وزارت مالبه جواب بدهد).

معاون وزارت داخله اما راجع بعمل کرد فعلی هائیدات نواقط در شهرها که ذکر فرمودند فقط این قسمتش را می توانم جواب عرض کنم که یک نظارتی است از طرف مأمورین مالبه (اگر جزئیاتی داشته باشد البته خود وزارت مالبه جواب بدهد).

این چه ترتیب بلدیہ و نواقطی است. میخواستم سوال کنم که آیا در نظر دارند تشکیلات بلدیہ را مطابق قانون بکنند و قانون بلدیہ ها را در ولایات اجرا کنند یا خیر؟ و آیا ممکن است عایدات نواقط یک ترتیبی وصول و ایصال بشود که این قدر مغایر نداشته باشد؟

و آیا می شود وصول عوائت نواقط را بخود بلدیہ ها واگذار کنند یا خیر؟ چنانکه غالباً صعبت و مذاکره می شود اگر بلدیہها خودشان عوائت نواقط را وصول کنند اینقدر بخارج وصول نواقط نمی شود.

این قدرش را بنده اطلاع دارم که چندی قبل فرار بر این شده است که یک نظارتی از طرف مأمورین مالبه نسبت بجمع و خرج نواقط اعمال بشود.

این قدرش را بنده اطلاع دارم که چندی قبل فرار بر این شده است که یک نظارتی از طرف مأمورین مالبه نسبت بجمع و خرج نواقط اعمال بشود.

سؤال دیگر بنده این است: البته آقایان تصدیق دارند که مؤسسات مشروطیت تعطیل بردار نیست و کرا را هم در اینجا گفته شده و بنده هنوز هیچ مجوزی از برای تعطیل انجمن های ایالتی و ولایتی و در ولایات و ایالات پیدا نکرده ام و نمی دانی چه موجدی دارد که بکلی این قانون فراموش شده.

هر چه از ولایات تقاضا و تمنا میشود که انجمن ایالتی و ولایتی باید در هر ولایتی باشد و جزو مؤسسات مشروطیت است. جزو ارکان مشروطیت است.

اینست که سؤاَل می کنم آیا دولت در صدد هست؟ نیست؟ فراموش کرده است؟ آیا این قضیه را وزارت داخله در نظر گرفته است؟ و آیا در نظر دارد که بلدیہ های ولایات اصلاح و انجمنهای ایالتی و ولایتی را تشکیل بدهد و وظایف حکام را معین کند یا خیر؟

بلکه طوری مفصل بود و طوری اجرای آن تشکیلات بخارج زیاد لازم داشت که عملی نبود و همین جهت بار در دوره چهارم قانون نبوده است.

یک لایحه جدیدی برای تشکیلات وزارت داخله و وظایف حکام تهیه و تقدیم مجلس شد که آن لایحه هم بواسطه کثرت کارهای مجلس موقوف ماند. مینظور تا باین دوره رسیده است و باید در آن قانون هم تجدید نظر بشود چون در آن قانون یک قدری اصول استخدامی قید شده بود.

زیر آن وقت که این قانون وضع شد قانون استخدامی وجود نداشت و حالا بایستی درش تجدید نظر بشود و آن مقررات و اصولی که راجع بقانون استخدام است خارج شود و فقط اصول تشکیلات و وظایف حکام معین شود.

اما نه این است که آن مسائلی که در آن قانون ذکر شده است هیچ چیزش اجرا نشده باشد باز هم یک قسمت هائیش جریان دارد منتهی بآن طول و تفصیل نیست و دیگر وظایفی را که حکام فعلا اجرا میکنند وظایف حکام را بایستی که در نظر داشت که یک وظایفی نیست که فقط در یک لایحه نوشته شود و از سر تا آخرش یک مواد مفصلی داشته باشد و وظایفی که حکام اجرا می کنند عبارتست از قوانین مختلفه که حکام مأمورین را برای آن قوانین هستند و آن قوانین هر کدام جدا جدا بایستی تهیه شود.

فرصت بفرمائید یکپیش همین قانون بلدیہ است قانون سجل احوال احصائیه و قوانین دیگر است که جدا جدا است و رویهم رفته اجرای آنها وظیفه حکام است منتهی چون سابقا این قوانین وجود نداشته است در نظر گرفته شده است که در هر یک از این قوانین جدا گانه یک وظایفی نوشته شود.

فرصت بفرمائید یکپیش همین قانون بلدیہ است قانون سجل احوال احصائیه و قوانین دیگر است که جدا جدا است و رویهم رفته اجرای آنها وظیفه حکام است منتهی چون سابقا این قوانین وجود نداشته است در نظر گرفته شده است که در هر یک از این قوانین جدا گانه یک وظایفی نوشته شود.

فرصت بفرمائید یکپیش همین قانون بلدیہ است قانون سجل احوال احصائیه و قوانین دیگر است که جدا جدا است و رویهم رفته اجرای آنها وظیفه حکام است منتهی چون سابقا این قوانین وجود نداشته است در نظر گرفته شده است که در هر یک از این قوانین جدا گانه یک وظایفی نوشته شود.

فرصت بفرمائید یکپیش همین قانون بلدیہ است قانون سجل احوال احصائیه و قوانین دیگر است که جدا جدا است و رویهم رفته اجرای آنها وظیفه حکام است منتهی چون سابقا این قوانین وجود نداشته است در نظر گرفته شده است که در هر یک از این قوانین جدا گانه یک وظایفی نوشته شود.

فرصت بفرمائید یکپیش همین قانون بلدیہ است قانون سجل احوال احصائیه و قوانین دیگر است که جدا جدا است و رویهم رفته اجرای آنها وظیفه حکام است منتهی چون سابقا این قوانین وجود نداشته است در نظر گرفته شده است که در هر یک از این قوانین جدا گانه یک وظایفی نوشته شود.

البته دیگر نباید منتظر بود که بآن طول و تفصیل یک کتابی برای وظایف حکام نوشته شود زیرا وظایف حکام اموری است که مربوط بسببست داخلی مملکت است و اجرای قوانین پس قوانین هر کدام بجای خودش باید وضع شود و مجموع آنها دستور عملیات حکام است.

بکنفر انزایندگان - وارد دستور بشویم. رئیس - وارد دستور میشویم قسمت یازدهم ماده اول عوارض ورودی بلدی . انکور سیاه و قارج و شاه بلوط چهار قران .

چند فقره پیشنهاد رسیده است. پیشنهاد آقای سید یعقوب پنجقران و آقای مشیر معظمم و آقای شبروانی و یک تومان.

چند فقره پیشنهاد رسیده است. پیشنهاد آقای سید یعقوب پنجقران و آقای مشیر معظمم و آقای شبروانی و یک تومان.

رئیس - آقای سید یعقوب پنجقران و آقای مشیر معظمم و آقای شبروانی و یک تومان.

رئیس - آقای سید یعقوب پنجقران و آقای مشیر معظمم و آقای شبروانی و یک تومان.

رئیس - آقای سید یعقوب پنجقران و آقای مشیر معظمم و آقای شبروانی و یک تومان.

رئیس - آقای سید یعقوب پنجقران و آقای مشیر معظمم و آقای شبروانی و یک تومان.

رئیس - آقای سید یعقوب پنجقران و آقای مشیر معظمم و آقای شبروانی و یک تومان.

رئیس - آقای سید یعقوب پنجقران و آقای مشیر معظمم و آقای شبروانی و یک تومان.

رئیس - آقای سید یعقوب پنجقران و آقای مشیر معظمم و آقای شبروانی و یک تومان.

رئیس - آقای سید یعقوب پنجقران و آقای مشیر معظمم و آقای شبروانی و یک تومان.

قیلانشده و نتیجه اش این خواهد شد که بلبه بکلی منحل بشود.

آقای سید یعقوب - صحیح است

تدین - بنا بر این بنده پیش نهاد می کنم از دستور خارج شود و در خارج يك تكسری بكنند و بعد پیش نهاد كنند

رئیس - شاهزاده شیخ الرئیس (اجازه)

شیخ الرئیس - بنده متخافم از دستور خارج شود برای اینکه ذهن همه مسیوق است باین مسئله چرا بابستی خارج شود برای اینکه کسی که عقیده اش این باشد مثلا بنده هر وقت هم سكه بیاید باز در موارد ارزاق عمومی مخالف هستم از نقطه نظر عقیده است و اما اینکه می فرمایند مذاکراتی نشده بلبه لازم است یا نیست .

مربوط باین نیست خیلی چیزها را از قبیل بلوغ و غیره ممکن است بیاوردن ماهم رای میدهم مجبور نیستند بول بدهند اما از كنند و جو بگیرند اگر يك مواری بود که لازم نبود و ارزاق عمومی نبود مازای نبودم حق داشتند لایحه را پس بگیرند

بجهت این مسئله هم بلبه منحل نمیشود و اگر نسبت باین اشیا هم دولت پیشنهاد اضافه نكند ما پیشنهاد می كنیم تا بقدر لازم برای اداره کردن بلبه اضافه شود ولی از مالیاتهایی باشد که بارزاق عامه صدمه ولطمه وارد نیاورد

مخبر - بنده میخواهم ببینم که بنده میتوانم لایحه را پس بگیرم تا اینکه در کمیسیون تجدید نظر بشود یا نه؟

رئیس - گمان نمیکنم. رای می گیرم

پیشنهاد آقای تدین

آقایانی که قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(اكثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد. چند دقیقه نفس داده میشود

در این موقع جلسه برای نفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید

رئیس - آقای یاسانی (اجازه)

یاسانی - عملاً لایحه دفع آفات حیوانی جزو دستور است و در اینجا بنده دورا برت می بینم یکی راپرت کمیسیون فواید عامه که دارای دوامه است و راپرت دیگر راپرت کمیسیون معارف که دارای چهار ماده است و از نقطه نظر صحیح بترتیب دیگری تنظیم شده خوب است تکلیف معین شود که کدام يك مطرح میشود

رئیس - بنده میخواستم همین سؤال را بكنم ولی حالاً پیشنهاد شده است لایحه را جمع به مسجد مقدم باشد

(بعضی از نمایندگان صحیح است)

پیشنهاد مزبور بشرح ذیل قرائت شد

پیش نهاد میکنم ، کلا بلبه واگذاری شصت ذرع زمین راجع به مسجد مقدم مطرح شود

رئیس - آقایانی که این پیشنهاد را تصویب میکنند قیام فرمایند (اكثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده واحده قرائت می شود

(شرح ذیل قرائت شد)

ماده واحده - وزارت مالیه مجاز است شصت ذرع زمین مربع اراضی پاری دولت جنین که مسجدی آقای حاج میرزا احمد تاجر در چهار بازار حسن علی میرزائی بنا کرده است برای وسعت و احتیاجات مسجد مزبور تخصیص دهند

رئیس - آقای حاج میرزا عبدالرهاب (اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده موافقم .

رئیس - آقای سید یعقوب (اجازه)

آقای سید یعقوب موافقم

رئیس - آقای عراقی موافقم

رئیس - آقای کازرونی موافقم

رئیس - مخالفی ندارد؟ (اظهاری نشد)

رئیس - رای میگیرم ماده واحده آقایانی که تصویب می فرمایند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . آقای ارباب - کیخسرو

(اجازه)

ارباب کیخسرو - بنده تصور می کنم چون مسئله مالی بود باید با ورقه رای گرفته میشود

(ماده ۸۰ نظامنامه داخلی بشرح ذیل قرائت شد)

ماده ۸۰ در مواد ذیل اخذ رای علنی با اوراق حتمی است

اولاً بعد از این که در دفعه بواسطه قیام و قعود نتیجه مشکوک باشد .

ثانیاً در تمام لوایح قانونی که تقاضای اجازه معارض می نماید .

ثالثاً در لوایح قانونی که مالیات یا عوارض برقرار می کند و یا مالیات و عوارضی که سابقاً برقرار بوده است تغییر می دهد .

رئیس - تقاضای معارض نبود است شاهزاده شیخ الرئیس (اجازه)

شیخ الرئیس - این يك قسمت از دوائی مملکت است وقتی که بنا شود يك قسمت از دوائی مملکت و دولت كسر شود

آنوقت بمنزله خرج است و جزه دوم ماده ۸۰ شامل آن میشود یعنی باید با ورقه رای گرفته شود .

رئیس - خوب اگر میل دارید با منظور تفسیر می شود ولی بعد ما هم از این قراره نتار می شود . آقای عراقی

(اجازه)

عراقی - مطابق این ماده اگر مجلس بخواهد خرجی را تصویب کند که دولت از خزانه خودش يك پولی بدهد آنوقت باید با ورقه رای گرفته شود ولی این جا يك زمینی است که بایر افتاده و بر آن يك منفعتی تصور می شود و حالاً بعد از چند سال منتهی شده است باین که جزء مسجد شود این که دیگر معارضی نیست تا این که با ورقه رای گرفته شود و تصور می کنم اخذ رای با ورقه لازم نباشد .

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - بنده هیچ ضرری نمی بینم که با ورقه رای گرفته برای اینکه اگر اگر ما حالا با ورقه رای ندهیم ممکن است در آتیه نسبت بمضی املاک خالصه دولت هم يك اشکالاتی پیش بیاید

بملاوه این اراضی که حالا رای دادیم قابل انتفاع و قابل کشت و زرع است حالا می فرمایند بایر مانده است خیلی از چیزها هست که مالیت دارد و با آن است در هر صورت از طریق مالیت خارج نیست و همین اراضی را هم که دولت می خواهد از آن استفاده بکنند می توانست ولی نکرده است

و حالاً آنرا انتقال می دهد ب دیگر و بعقیده من باید با ورقه رای گرفته شود و اشکال من راجع باملاك است که ممکن است بعد ها تولید اشکال نماید

رئیس - نظری که بیان شد با اصل بیست و دوم قانون اساسی گویا موافقت نداشته باشد .

(اصل بیست و دوم بشرح ذیل قرائت شد)

اصل ۲۲ مواردی که قسمتی از فایده های ادارائی دولت و مملکت منتقل یا فروخته می شود یا تقییری در حدود و ثورم مملکت لزوم پیدا می کند بصوبه مجلس شورای ملی خواهد بود

رئیس - در جای دیگر گفته شده است هر گاه معارضی برای مملکت بشود باید به تصویب مجلس باشد و با آن نظری که گفته شد دیگر این ماده لازم نبود

معذلك هر طور که می فرمایند رفتار می شود .

رای می گیرم که باید با ورقه رای گرفته شود با ورقه رای

آقایانی که تصویب می کنند باید با ورقه رای گرفته قیام فرمایند

پا این که این مسئله با آن رای که مجلس داده است بکمیسیون معارف و

(عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد

لایحه دفع آفات حیوانی مطرح است و همانطور که فرمودید دو راپرت داده شد

یعنی چهار فقره یکی از طرف کمیسیون بودجه برای تصویب معارض دیگر از طرف کمیسیون خارجه راجع ببلیت اما در اصل مسئله دورا برت داده شده است یکی از طرف کمیسیون معارف که مشتمل بر چهار ماده است و دیگری از طرف کمیسیون فواید عامه و تجارت که مشتمل بر دو ماده است .

ضیاءالوعظیمن - (مخبر کمیسیون معارف) راپرتی که از طرف کمیسیون معارف پیشنهاد و تقدیم مجلس شده است بنسبست اینکه شامل موادی است که بیشتر شبیه بقانون است

از این جهت پیشنهاد می کنم آن راپرت مطرح شود و آقای معبر کمیسیون ایشان ممکن است توافق پیدا شود باین جهت بنده پیش نهاد می کنم راپرت کمیسیون معارف مطرح شود .

آقای سید یعقوب - اجازه می فرمایند **رئیس** - راجع باین مطلب است **آقای سید یعقوب** - بلی **رئیس** بفرمایند

آقای سید یعقوب - بنده خواستم عرض کنم چیزی که در کمیسیون فواید عامه گذشت و آقای مخبر هم تصدیق کردند این بود که کمیسیون فواید عامه اصل مسئله را تصدیق کرد که این موضوع عامه المنفعه است و فواید دارد آیا کیفیت جریان را بکمیسیون معارف واگذار کرده است غرض بنده این بود که آنچه راجع بکمیسیون فواید عامه بوده است تصدیق کرده است اما جریان آن که بچه ترتیب باید عمل شود با کمیسیون معارف است و مجلس هم در این باره ای داد که این لایحه بکمیسیون معارف هم برود

کمیسیون معارف هم حالا در تحت موادی تنظیم کرده راپرت داده است .

رهنما مخبر کمیسیون فواید عامه - در این جا برای استحضار خاطر آقایان نمایندگان عرض می کنم آن تروزی که این لایحه در مجلس مطرح شد بخاطر دارم که مجلس رای داد این لایحه به کمیسیون معارف و کمیسیون فواید عامه هر دو مراجعه شود و در این موضوع مذاکره زیاد شد که آیا کمیسیون فواید عامه می تواند این لایحه را ماده بندی و تنظیم کند و مثل يك لایحه اصلی به مجلس بیاورد .

پا این که این مسئله با آن رای که مجلس داده است بکمیسیون معارف و

صحیح بود باید آن کمیسیون راپرت بدهد و بالاخره پس از مذاکرات زیاد گفته شد فقط کمیسیون فواید عامه لزوم احداث این مؤسسه را باید تصدیق کند

پس از مذاکره دوامه از آن لایحه دولت را کمیسیون فواید عامه تصویب کرد که ماده اولش عبارت از این است که این مؤسسه در تحت نظارت انستیتو پاستور تأسیس می شود و وزارت فواید عامه آنرا تأسیس می کند .

ماده دومش عبارت از این است که يك نفر متخصص در فن بیطاری استخدام نمایند و بلیت هم در آن جا قید شده بود . حالاً کمیسیون معارف هم يك راپرتی داده است و آن این است که مجلس شورای ملی بدولت اجازه می دهد که يك مؤسسه انستیتو پاستور تأسیس کند و دولت هم هر طور صلاح بداند پوزارت معارف یا وزارت فواید عامه ارجاع نماید

تنها اختلافی که هست این است که در راپرت کمیسیون فواید عامه و فلاحه و تجارت اجازه داده می شود و در راپرت کمیسیون معارف نوشته است که به دولت اجازه داده می شود دیگر بسته به رای مجلس است که یکی از این دورا برت رای بگیرد .

هر کدام که تصویب شد دیگری محتاج برای نیست .

رئیس - با این نظر مخالفی هست که راپرت کمیسیون معارف مطرح شود

آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - نظر باین که پیش نهاد کننده وزارت معارف است . . .

يك نفر از نمایندگان - وزارت فواید عامه

کازرونی - بلی اشتباه کردم وزارت فواید عامه است چنانکه الان هم دیده می شود که آقای وزیر فواید عامه حاضرند برای این که اگر لازم باشد دفاع کنند و اصولاً هم نباید بکمیسیون فواید عامه ارجاع شود و ارجاع هم شده و راپرت هم داد است .

لذا بنده معتقدم راپرت کمیسیون فواید عامه مطرح شود .

مخبر کمیسیون معارف - بنده خاطر محترم آقایان نمایندگان را توجه بنمایم باین که شعبه دفع آفات حیوانی و سرم سازی مربوط بامور صحی است و در تمام عالم هم بمسئول است و این قسمت جزو مؤسسه پاستور است و بنسبست اینکه انستیتو پاستور در قسمت سرم سازی برای امراض انسانی شعبه دارد و از این جهت برای دولت هم بیشتر مقرون بصرفه و صلاح است که يك شعبه در تحت نظارت همان مؤسسه بنام دفع آفات و سرم سازی دایر نماید .

از این نقطه نظر باین موضوع کاملاً مربوط بوزارت معارف و کمیسیون معارف مجلس است .

حالا این لایحه از طرف وزارت فواید عامه تقدیم مجلس شده است و وزارت فواید عامه بنسبست مسؤولیتی که در خصوص زراعت و نگاهداری اموال و ادارائی و سایر مباحث زراعت دارد این لایحه را تقدیم مجلس نموده است در کمیسیون معارف این موضوع کاملاً مطرح شد و بالاخره نتیجه این شد که هیچ فرق نمیکند .

برای اینکه چه وزارت فواید عامه این لایحه را تقدیم مجلس کند چه وزارت معارف در هر صورت از طرف دولت تقدیم مجلس شده است و وقتی که در مجلس تصویب شد اطلاع داده می شود و بطوریکه در راپرت کمیسیون معارف ذکر شده است بوزارت مالیه و فواید عامه و تجارت و صحیح کل مملکتی حق داده شده است که آنرا اجرا نمایند .

پس سؤال اجرای آن وزارت فواید عامه و مالیه و صحیح کل مملکتی است باین جهت اگر راپرت کمیسیون معارف مطرح شود بهتر است

وزیر فواید عامه - اجازه می فرمایند بنده چند کلمه عرض کنم **رئیس** - بفرمایند

وزیر فواید عامه - اگر بخواهم از نقطه نظر حقیقت اظهار عقیده کنم باید اعتراف کنم که لایحه که از طرف وزارت خانه بنده تنظیم شده است و هر دو راپرتی که از طرف کمیسیون فواید عامه و کمیسیون معارف تقدیم شده است بد تنظیم شده است .

زیرا يك قسمت های زیادی دارند که قابل این است حذف شود

آقای ضیاءالواعظیمن در ضمن بیانات خودشان همچو بیان فرمودند که مقصود از این کار سرم سازی است و چون سرم سازی جزو مؤسسه پاستور است لهذا این يك رابطه با اداره صحیه کل مملکتی دارد و این مطلب اینطور نیست .

زیرا تأسیس يك مؤسسه برای جلوگیری از آفات حیوانی فقط سرم سازی نیست بلکه سرم سازی یکی از وسایل جلوگیری آن است .

پس مطلب و اساس مطلب که جلوگیری از آفات حیوانی باشد مستقیماً مربوط می شود بآن اداره بآن وزارتخانه که در هر مملکتی فلاحه آن مملکت را اداره می کند .

مثلاً اگر فردا اداره فلاحه را بوزارت پست و تلگراف ضمیمه نمایند آن وقت این مطلب با آنجا مربوط باشد

مطلب با آنجا مربوط میشود جلوگیری از آفات حیوانی در تمام ممالک عالم مربوط بوزارت فلاحه است حالا خواهی فرمود که چرا متلاخود دولت این پیش نهاد را کرد ؟

طریق مختلفه هم از برای جلوگیری از آن هست که یکی از آنها تهیه سرم است که بعد آن سرم را باید تزریق کنند

آن قسمت که تهیه سرم باشد البته مربوط بانستیتو پاستور است یعنی همانطور که انستیتو پاستور برای اطفال تهیه مایه آبی می کند و از برای وبا و سایر امراض سرم می سازد و برای مرض گاومیر می باید سرم تهیه نماید

اما بعد از آنکه این سرم تهیه شد بدست کدام اداره و کدام شعبه باید بصرف برسد البته مربوط می شود بآن اداره که مسؤول فلاحه است پس از آنکه این اصل معرذ شده حالا باید دید که قضیه چیست ؟ قضیه این است که دولت و مجلس يك اقدامی بنمایند و خیلی هم باید اضروس خورد که دیر می جنبیم و باید زودتر از مرض گاومیری جلوگیری شود حالا كل این کار را بكنند گمان نمیکنم چندان اهمیت نداشته باشد و بنده معتقدم که از هر دو راپرت دو ماده را بگیرد سایر مواد بعقیده من زیادی است و برای اینکه رضایت خاطر مخبر محترم کمیسیون معارف هم بعمل آمده باشد من ماده اول راپرت ایشان را قبول میكنم باین معنی در عوض اینکه نوشته شود وزارت فلان - نوشته شود - بدولت اجازه داده می شود که يك مؤسسه بنام دفع آفات حیوانی تأسیس نماید بعد خود دولت مجاز است به روزارتخانه ای که می خواهد این اجازه را بدهد .

از راپرت کمیسیون فواید عامه هم ماده دومش را که بهتر تنظیم شده است قبول میکنم و بعد از آنکه این دو ماده تصویب شد سایر مواد بعقیده بنده زائد است .

زیرا در ضمن قانون تعیین این که حق خودشان همچو بیان فرمودند که مقصود از این کار سرم سازی است و چون سرم سازی جزو مؤسسه پاستور است لهذا این يك رابطه با اداره صحیه کل مملکتی دارد و این مطلب اینطور نیست .

زیرا تأسیس يك مؤسسه برای جلوگیری از آفات حیوانی فقط سرم سازی نیست بلکه سرم سازی یکی از وسایل جلوگیری آن است .

پس مطلب و اساس مطلب که جلوگیری از آفات حیوانی باشد مستقیماً مربوط می شود بآن اداره بآن وزارتخانه که در هر مملکتی فلاحه آن مملکت را اداره می کند .

مثلاً اگر فردا اداره فلاحه را بوزارت پست و تلگراف ضمیمه نمایند آن وقت این مطلب با آنجا مربوط باشد باید با ماله قراری بکنند آن وقت خود دولت یکی از اقراء خالصه را برای این کار تخصیص میدهد حالا خواهی فرمود که چرا متلاخود دولت این پیش نهاد را کرد ؟

تقریباً دو سه ماه قبل این لایحه تقدیم شده است و آنوقت بودجه تصویب نشده بود و لازم بود در این لایحه يك جزئیاتی تصریح شود .

ولی پس از آنکه بودجه تصویب شد اگر این لایحه هم نمی بود مقصود ما امروز حاصل بود برای اینکه در ضمن بودجه عمومی مجلس سی هزار تومان اعتبار برای جلوگیری از آفات حیوانی تصویب کرده و از طرف دیگر هم موافق قانون کتورات هر يك از مستخدمین خارجی باید بمجلس بیاید و در ضمن آن کتورات قهراً بایستی اجازه استخدام از مجلس خواسته بشود .

ولی حالا چون این دو راپرت باین ترتیب پیشنهاد شده است بنده برای این که کمتر مذاکرات بشود تقاضا می کنم ماده اول راپرت کمیسیون معارف و ماده دوم راپرت کمیسیون فواید عامه مطرح شود و این دو ماده کاملاً مقصود را تأمین می کند .

مخبر کمیسیون فواید عامه - آقای سردار معظم فرمودند موادی که کمیسیون تنظیم کرده است بکندری درش مسامحه شده و درست تنظیم شده است بنده میخواستم خاطر ایشان را باین مسئله متوجه کنم که اگر باصل لایحه خودشان ملاحظه نمایند .

تصدیق می فرمایند که مواد راپرت کمیسیون فواید عامه من مواد لایحه ایشان است و اگر مواد دیگری تنظیم نکرده است برای این است که مربوط به او نبوده است که مثلا حقوق بیطار را سالی چهار هزار تومان تعیین کند یا اینکه بلیت بیطار را در راپرت معین کند .

وزیر فواید عامه - بنده نظرم این نبود که از يك مؤسسه دفاع کنم یا بجهت خودم گفتم اگر انصاف بدهیم هم لایحه ما وهم هر دو راپرت کمیسیون بد تنظیم شده است بنده اول لایحه خودم را عرض کردم .

پس بعقیده بنده وقتی نظر انسان این است که يك مطلبی باید تصویب شود دیگر حتماً نباید مقید باشد که بهر قیمتی شده ثابت کند آن دیگری لزومی ندارد .

رئیس - پیش نهادی از طرف آقای آقا میرزا شهاب الدین رسیده است قرائت می شود .

(باین طریق خوانده شد)

میرزا شهاب - پیش نهاد می کند که کمیسیون معارف فواید عامه بیشتر گنا نمایند و این موضوع از دستور امروز خارج شود .

رئیس - آقای آقا میرزا شهاب الدین (اجازه)